

مقدمه‌نما

سلام!

به روزی تنگ غروب که من نشسته بودم توی اتاقم و با یک حالت دست به زیر چانه مثل این آدم‌های دانشمندطوری! داشتم فکر می‌کردم، یکهو دو نفر که از قضا اصلن شبیه پت و مت نبودن اومدن توی اتاق!

بعد یک نگاهی به هم کردند. بعدش یک نگاهی به من کردند! بعد باز هم به هم نگاه کردند و ... اونی که شبیه پت نبود گفت: «آقای ناشر!» بعد من گفتم: «جانم»

اون گفت: «می‌دونستی یک کتاب خیلی خوب توی حوزه‌ی متن‌خوانی زبان که به روز باشه، سخت باشه، رنگ‌وبوی نویی بده و خیلی جذاب باشه، جاش خالیه!»

من هم یک لحظه با همان حالت پروفیسورطوری! به فکر فرورفتم و مثل این آدم‌هایی که تقریبین همه‌چیز را می‌دانند گفتم: «بله! می‌دونم!»

هیچی دیگه! همین شد که اون‌ها در یک لحظه شبیه پت و مت شدن و در همون لحظه دست‌هاشون رو به نشانه‌ی شروع یک پروژه‌ی خفن به هم زدند و یک قصه‌ی شیرین آغاز شد. ولی این قصه دیگه واقعی بود، از قضا پایان خیلی خوبی هم داشت!

خیلی با هم خوب کار کردند، مراحل پیش‌تولید و تحقیقات روی ایده‌ی اولیه را به خوبی انجام دادند، خیلی نقد کردند خودشان، خودشان را! و به قول معروف ایده‌هایشان را خیلی خوب و با صبر و حوصله پختند و یک کار «دلی» انجام شد. به نظرم خیلی مرحله‌ی اجرای ایده مهمه. چه بسیار ایده‌های بکر و ناب که به خاطر عجله و نپختگی به بار نمی‌نشینند و اثری نمی‌گذارند بر مخاطبان‌شان.

سرتون رو درد نیارم! خلاصه کلی کار خوب انجام شده و نتیجه‌اش شد این کتابی که در حال خواندن مقدمه‌ی ناشر پروفیسورطورش هستید!! واقعن چند وقت بود آدم جدیدی با این‌همه انگیزه و انرژی ندیده بودم. دم مؤلفان کتاب گرم.

آدم‌های زیادی توی این کتاب کمک کردند؛ منیره هاشمی، ایمان سلیمان‌زاده، سهیلا خداوردیان، میترا حسامی، سهیل سمائی، ثنا حسین‌پور به خاطر جلد، دوستان خوب صفحه‌آرا و گرافیک خیلی سبز و خیلی آدم‌های خوب دیگه. کتاب خوب، آدم‌های خوب، حس خوب، نتیجه‌ی خوب و مخاطبان خوب‌تر. امیدوارم این کتاب براتون کار کنه (به قول انگلیسی‌ها).

راستی! امروز افتتاحیه‌ی نمایشگاه کتاب سال ۹۵ در شهر آفتاب بود. نرسیدم برم! خیلی کار داشتم. دلم برای نمایشگاه کتاب تنگ شده! برای شما هم همین‌طور!

هر روزتون پر از کتاب و کتاب‌خونی!

مقوله مرفله

در این خاک، در این پاک، به جز عشق، به جز مهر، دگر هیچ نکاریم.

سال هاست که شنیده‌ایم که باید کارهایی انجام شود! مثلاً باید کاری کنیم فوتبالمان حرف اول را در منطقه بزند، باید کاری کنیم که ترافیک روان‌تر شود! باید کاری کنیم که هوا تمیزتر شود! و باید کتابی برای درک مطلب نوشته شود که به قولی بترکاندا و هزاران باید دیگر. هم‌ماش حرف، هم‌ماش وعده، هم‌ماش وعید و آخر هم که هیچ کاری انجام نشد. اما ما دو نفر پت و متناهی گفتیم که باید کتابی بنویسیم که هم متن استاندارد داشته باشد، هم سؤالاتش هم‌تراز کنکور باشد، هم بانمک باشد و جذاب، هم درسنامه‌ی تیل داشته باشد، هم تعداد متن‌هایش اندازه باشد، هم دانش‌آموز نیازی به کلاس رفتن نداشته باشد، هم پاسخ‌نامه‌ی حسابی تشریحی داشته باشد، هیچ کم و کسری هم نداشته باشد و به جای این که درباره‌ی متن خوانی حرف بزند، باید خود متن خوانی را آموزش دهد. و این بار همه‌ی این **بایدها** انجام شد! و با خود اندیشیدیم دانش‌آموز امروز حوصله‌ی قصه‌ی دیروز را ندارد، علائقش فرق کرده است، بنابراین سعی کردیم از متن‌های تاریخی جذاب تا «سلفی»، «داب اسمش»، بازی «Clash of Clans» و ... در بین متن‌هایمان بگنجانیم. متن‌ها را هم با شبی ملامیم از دست‌گرمی تا خود متن‌های کنکور چیده‌ایم.

اول کار را با یک درسنامه‌ی جامع شروع کردیم و برای این که در متن خوانی دل‌فُرس شوید، با هم مثال حل کردیم آن هم نه مثال‌های الکی، بلکه مثال‌های کنکوری! و بعد وارد تست‌های درک مطلب شدیم. همه‌ی واژگان دشوارش را در کنارشان آورده‌ایم، و دوباره تکنیک‌های متن خوانی را در حاشیه‌های پاسخ‌نامه برای دم‌کشیدن آن‌ها در ذهنتان گفته‌ایم. به سطح دشواری سؤالات و زمان پیشنهادی پاسخگویی به سؤالات درک مطلب نیز اشاره کرده‌ایم. و از همه مهم‌تر در پاسخ‌نامه به تحلیل تک‌تک سؤالات درک مطلب پرداخته‌ایم. دیگر چه می‌خواهید!

و اما می‌ماند تلاش شما. پیشنهاد نگارندگان این است که براساس یک برنامه‌ی منظم، درک مطلب و کلوز را با هم کار کنید؛ مثلاً یک شب درک مطلب، یک شب متن کلوز. درسنامه‌ی هر دو بخش را به دقت بخوانید. در مرحله‌ی اول به معنی واژگان داده‌شده در کنار متن توجه نکنید و فکر کنید سر جلسه کنکور نشست‌ه‌اید و بکوشید طبق اصول گفته‌شده‌ی درسنامه به سؤالات پاسخ دهید. و سپس باید به تحلیل آن بپردازید. این بار معنی واژگان داده‌شده به کارتان می‌آید. به هیچ چیز رحم نکنید! همه‌ی واژگان خارج از کتاب را حفظ کنید.

دستان گرمی دستانمان را فشردند. ممنون از همه‌ی‌شان:

آقایان: محمد صالحی، شهریار قربانی هرسین و مسعود مشیدی و خانم‌ها شبنم انصار و هدی برخوردارپور که در ویراستاری علمی این اثر کمک شایانی به ما کردند و خانم‌ها: سهیلا خداوردیان و منیره سادات هاشمی با پیگیری‌های مداوم و دلسوزانه‌شان سبب شدند این کتاب زودتر به دست شما برسد.

از خانم‌ها پگاه خداکرمی، سهیلا صالح‌پور، الهه ابراهیمی و آقای سید سعید هاشمیان نیز تشکر می‌کنیم.

یک تشکر ویژه نیز از دانش‌آموزان سمپاد مراکز علامه حلی (۱) و فرزانتگان رودهن داریم که با شکیبایی به اکثر تست‌های این کتاب پاسخ دادند تا کتاب پخته‌تری را تقدیم شما کنیم.

و در نهایت نگارنگاران از همه‌ی‌گله تشکر می‌کنند.

عمیر فزایی پول، بابک جان مرسی که هستی!

بابک باقری، با پایان این کتاب ۲۰ سال رفاقت ناب را جشن گرفتیم. ممنون!

باغ، (باقری - فزایی)

فهرست

۶

۱- درک مطلب (Reading)

۷

درسنامه

۳۲

متن‌های Reading

۱۲۳

۲- کلوژ تست (Cloze)

۱۲۴

درسنامه

۱۲۷

متن‌های Cloze

۱۵۴

۳- پاسخ‌نامه‌ی تشریحی



«برای داشتن چیزی که تا به حال نداشتی، کسی باش که تا به حال نبودی»

پخته

کارگری داشت دیوار ساختمانی را می‌چید و با خود می‌گفت: «من همه‌چیز تو بنایی عالی‌ه! مگر کردن! اگه بلد بودم با متر کار کنم، الان بنای قابلی بودم!» حالا داستان شما هم همین است؛ ممکن است با خودتان بگویید که من متن را می‌فهمم ولی به سؤالاتش نمی‌توانم پاسخ دهم، وقت هم کم می‌آورم. گاهی هم که معنی تک‌تک واژگان را بلد، نمی‌توانم مفهوم جمله را درک کنم. بین دو گزینه شک می‌کنم. چندتا متن بزنگ کار جمع می‌شود. هیچ از خودتان پرسیده‌اید که چرا در کنکور سراسری یک بخش جداگانه به درک مطلب اختصاص داده شده است؟ یعنی آن قدر خاص و مهم است؟ در واقع این قسمت یکی از تعیین‌کننده‌ترین قسمت‌ها بین رتبه‌های تک‌رقمی (رتبه‌های عکس‌دار) و دورقمی است و یک سرگردن از بقیه‌ی مباحث زبان کنکور مهم‌تر است.

خلاصه این که از کجا شروع کنیم؟

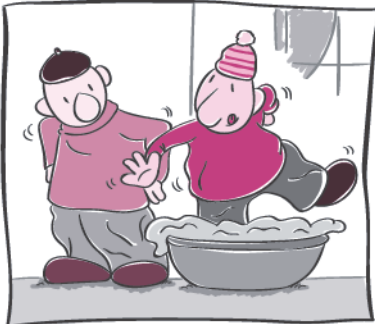
① یکی از این‌ها، خواندن کتاب‌های درسی پایه به میزان لازم و زیاد است!



② اول باید مواد لازم برای پاسخگویی به سؤالات درک متن را فراهم کنید.



③ مرحله‌ی آخر هم تمرین و زحمت خیلی زیاد کشیدن است.



④ پاورقی رو بخون!



خمیرمایه‌ی اصلی مهارت درک متن

۱. خمیرمایه‌ی اصلی مهارت درک مطلب، مسلط‌بودن به متن‌های کتاب درسی است که شرط لازم بوده ولی کافی نیست. بکوشید به معنی و مفهوم متن کتاب مسلط شوید و همه‌ی واژگان کتاب را از ریز و درشت در خود متن حفظ کنید. هرگز و تحت هیچ شرایطی واژه‌ای را بدون متن نخوانید! (بیشتر این قسمت اون بالا یا یعنی شر به توضیحی صفحه‌آرای مقرر کتاب میبورد، شرم بیارمیش توی پاورقی!)

از آن جا که سؤالات زبان انگلیسی در انتهای دفترچه‌ی عمومی قرار دارد، اکثر دانش‌آموزان علی‌رغم داشتن دانش لازم، زمان و حوصله‌ی کافی برای پاسخ‌دادن به سؤالات زبان به ویژه سؤالات درک متن را ندارند و فقط خود را سرگرم تست‌های گرامر و واژگان می‌کنند و قید سؤالات درک مطلب را می‌زنند! اما در تاریخ کنکور، زدن سؤالات درک مطلب برگ برنده‌ی داوطلبان باهوشی مثل شماس است که با آن می‌توانید رقبا را از دور خارج کنید. حلال این مشکل به‌کارگیری تکنیک و راه‌های میان‌بر است که استفاده از آن‌ها باعث افزایش هم‌زمان سرعت و دقت در تست‌زنی می‌شود. منتها تجربه‌ی ما گویای آن است که تکنیک فقط با تمرین زیاد، اثربخش می‌شود. اما چه تمرینی؟ ما فکرش را کرده‌ایم؛ متن‌های تمرینی که از لحاظ تعداد سؤال، سطح دشواری و اندازه، متناسب با متن‌های درک مطلب کنکور باشد را برایتان فراهم کرده‌ایم؛ نگران نباشید.

هالا کمر بندها را ببندید و با ما آماده‌ی یک سفر لذت‌بخش به تست‌فیزترین بخش زبان کنکور سراسری شوید. قبل از این‌که وارد قلق‌های پاسخگویی به درک مطلب شویم، به توصیه‌های کلی در جهت سریع‌خوانی و درست‌خوانی متن توجه کنید. اگر توجه کنید، دستتار می‌شوید اما اگر تنبلی کنید هشتم‌اندازی تیره‌وتار در انتظارتان فواید بود!

۱- واژگان ناآشنا را در دیکشنری پیدا نکنید. «اگر بیش از حد به درخت‌ها نزدیک شوید، نمی‌توانید جنگل را ببینید.»

معانی واژگان ناآشنا را از طریق همسایگانش در متن یا تجزیه و تحلیل خود واژه (پیشوند، پسوند و ریشه‌ی واژه) حدس بزنید.

۲- جملات پیچیده را عبارت به عبارت یا به صورت یک گروه معنادار بخوانید.

این روش نه تنها درک شما را از متن بالاتر می‌برد، بلکه سرعت خواندنتان را نیز افزایش می‌دهد.

۳- دامنه‌ی دید خود را افزایش دهید. «عینک‌ها را به چشمانتان بزنید!»

به حافظه‌ی خود اطمینان داشته باشید و با هر بار نگاه‌کردن به متن تعداد واژگان بیشتری را در ذهن خود نگه دارید.

۴- اول صورت سؤالات را بخوانید.

سیس متن را برای پاسخ به آن‌ها بخوانید تا نقشه‌ی طراح سؤال را بر ملا کنید.

۵- فقط واژگان محتوایی (content words) را بخوانید.

از روی واژه‌های گرامری بپرسید. این واژگان عبارت‌اند از: حروف اضافه (at, in, about,...)، حروف تعریف (a, an, the)، ضمائر (he, she, him, ...)، کلمات ربط (and, but, so,...) و معرف‌ها (this, that, these, those) که عملاً حرفی برای گفتن ندارند.

۶- یادتان باشد لازم نیست معنی همه‌ی واژگان متن را بدانید.

اگر دیدید واژه‌ای برای فهم متن ضروری نیست، نفس عمیقی بکشید و آن را کنار بگذارید.

۷- موقع خواندن، واژه را با خود زمزمه نکنید.

ممکن است این عادت در شما نهادینه شده باشد، اما آن‌قدر جسارت داشته باشید که این عادت را با یک عادت خوب که همان خواندن بی‌صدا با چشم است، جایگزین کنید. این کار نه تنها سرعت شما را زیاد می‌کند بلکه درک شما از متن را نیز بالاتر می‌برد و شما را در زمره‌ی خوبان قرار می‌دهد.

۸- سرعت خواندن خود را تغییر دهید.

این شما هستید که باید تصمیم بگیرید که کجای متن را با سرعت بخوانید و یا کجای متن را جزء‌به‌جزء بخوانید.

۹- از دوباره خوانی متن پرهیز کنید.

بهتر است که قلم یا انگشت خود را زیر واژگان متن قرار دهید تا هیچ چیز از دید چشمان تیزبین شما دور نماند.



۱۰- نفس عمیق بکشید.

هر کجا تمرکزتان به هم ریخت یا خسته شدید، یک نفس عمیق بکشید تا تمرکزتان بهتر شود. شما به کمی اعصاب (به مقدار لازم) برای پاسخگویی به سؤالات نیازمندید.

۱۱- نگران نباشید و تندخوانی را ابتدا با متن‌های آسان تمرین کنید.

به همین منظور ما هوشمندانه برخی از متن‌های کتابمان را آسان‌تر از سایر متن‌ها برایتان طراحی کرده‌ایم.

۱۲- هر بار یکی از راهکارهای تندخوانی را تمرین کنید.

تمرین روی یک تکنیک را آن قدر ادامه دهید تا آن را به راحتی روی هر متنی پیاده کنید، سپس به سراغ تکنیک بعدی بروید.

۱۳- آن قدر تندخوانی را ادامه دهید تا بتوانید بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ واژه را در دقیقه بخوانید. این معادل سرعتی است که برای ورود به دانشگاه به آن نیاز دارید.

۱۴- تا می‌توانید متن‌های متنوع با سطح دشواری متوسط رو به بالا را بخوانید.

خواندن متن‌های آسان برای شروع خوب است اما جسارت به خرج دهید و سریع به سراغ متن‌های چالشی بروید. خصوصاً متن‌هایی که مرتبط با موضوعات کتاب درسی شما هستند.

۱۵- بی‌زحمت دامنه‌ی واژگان خود را افزایش دهید.

شکارچی واژه باشید! از روی تنبلی واژگان جدید را به دست فراموشی نسپارید. سعی کنید واژگان جدید را در دفترچه‌ای ثبت و همیشه مرور کنید.

کام‌روم، پله‌های معارفه‌ی شما با تیپ‌های متفاوت سؤالات درک مطلب کنگور است. نگران نباشید در ادامه ما شما را با انواع این سؤالات و روش‌های پاسخگویی به آن‌ها آشنا می‌کنیم:

انواع سؤالات درک مطلب در کنگور

سؤالات درک مطلب به شش نوع تقسیم می‌شوند که در زیر انواع سؤالات از آسان به سخت آورده شده‌اند. همه‌ی آن‌ها در بخش‌های دیگر این کتاب به تفصیل شرح داده خواهد شد. کمی صبر کنید!

types of Questions

Type 1: Locating References

نوع اول: پیدا کردن مرجع ضمیر

Type 2: Vocabulary

نوع دوم: معنی واژه

Type 3: Scanning for Details

نوع سوم: جست‌وجوی جزئیات متن

Type 4: Main Idea or Topic

نوع چهارم: موضوع یا عنوان اصلی متن

Type 5: Making Inferences

نوع پنجم: استنباط کردن

Type 6: Purpose Questions

نوع ششم: منظور نویسنده

نوع اول

پیدا کردن مرجع ضمیر

شکل سوالات پیدا کردن مرجع ضمیر:

The word "X" refers to _____ .

راحت‌ترین نوع سؤال که می‌توان آن را در یک چشم به هم زدن پاسخ داد، یافتن مرجع ضمیر است. در این نوع سؤال، در متن، زیر یک ضمیر خط کشیده می‌شود و در سؤال از شما می‌پرسند که مرجع این ضمیر چیست یا به چه چیزی برمی‌گردد. در جدول زیر ضمایر یا صفاتی که ممکن است با آنها روبه‌رو شوید را برایتان آورده‌ایم:

she, he, it, they	ضمایر فاعلی
her, him, it, them	ضمایر مفعولی
hers, his, theirs	ضمایر ملکی
herself, himself, itself, themselves	ضمایر انعکاسی
who, which, whose, whom, that, where, when	ضمایر موصولی
her, his, its, their	صفات ملکی
this, that, these, those	ضمایر اشاره
both, all, some, any, none, each, most, many, few, neither (هیچ‌کدام), either (هر یک)	صفات کمیت‌نما
the former (قبلی), the latter (دومی), the first, the second	سایر کلمات ارجاعی

روش پیدا کردن مرجع ضمیر

جمله‌ای که ضمیر در آن است را بخوانید و هم‌چنین جمله‌ی قبل از آن را نیز بخوانید.	جمله را بخوانید.
دنبال اسم‌ها یا گروه‌های اسمی، قبل از واژه‌ای که زیرش خط کشیده شده بگردید که بتواند جایگزین آن شود. پاسخ درست علاوه بر این که در متن معنا می‌دهد، در تعداد و جنس با ضمیر مطابقت می‌کند. مثلاً ضمیر them باید با یک اسم جمع مطابقت داشته باشد.	دنبال اسم‌ها بگردید.
گزینه‌ها را بررسی کنید، اسم را با واژه‌ای که زیرش خط کشیده شده است، جایگزین کنید تا مطمئن شوید جمله معنای منطقی دارد که در این صورت آن پاسخ صحیح است. حالا با حذف گزینه‌های غلط مطمئن شوید که پاسخ‌تان صحیح است.	گزینه‌ها را بررسی کنید.

For many years people have been trying to create a simple universal language that would serve all over the world as a common means of communication. In the last three hundred years, more than seven hundreds of languages have been suggested. The most successful and the most popular of these is a language called Esperanto.

(سراسری ریاضی ۹۳)

What does the word "these" in line 3 refers to?

- 1) years 2) means 3) languages 4) people

In the last three hundred years, more than seven hundreds of **languages** have been suggested. The most successful and the most popular of these is a language called Esperanto.

جمله را بخوانید.

اسامی در بالا پررنگ شده‌اند.

دنبال اسمها بگردید.

حالا اسمها را به جای ضمیر «these»، قرار می‌دهیم و معنی می‌کنیم. با کدام یک از اسمها کار شما راه می‌افتد؟

گزینه‌ها را بررسی کنید.

به ترجمه‌ی زیر دقت کنید:

☞ با توجه به توضیحات ارائه‌شده، چند مورد از موارد بالا در تشخیص گزینه‌ی صحیح صدق می‌کند. اول آن که مرجع ضمیر قبل از خود ضمیر آمده است. دوم آن که گزینه‌ی ۲ به علت مفردبودن غلط است (S در کلمه‌ی means جزء واژه بوده و نشانه‌ی جمع نیست و مفرد است). در نهایت تنها گزینه‌ای که با توجه به جایگزین کردن همه‌ی گزینه‌ها، معنایی منطقی به جمله می‌دهد، گزینه‌ی ۳ است. به همین راحتی!

📖 برای سال‌های متممادی مردم سعی در خلق زبانی ساده و بین‌المللی کرده‌اند که به عنوان یک ابزار مشترک ارتباطی در سراسر جهان خدمت نماید. در سیصد سال گذشته بیش از هفتصد زبان پیشنهاد شده است. موفق‌ترین و محبوب‌ترین این‌ها (زبان‌ها) اسپرانتو نام دارد.

واژه‌ی «these» در خط ۲ به چه چیز اشاره دارد؟

(۱) سال‌ها (۲) وسیله (۳) زبان‌ها (۴) مردم

بیانبردا

مرجع ضمیر بعد از as و than، همان فاعل در اول جمله است. مثال:

This house is as big as that one. = This house is as big as that house.



در مثال بالا ضمیر one می‌تواند به جای یک house دیگر بیاید. بنابراین می‌توان به جای one، از واژه‌ی house استفاده کرد.

📖 The moon is the Earth's only natural satellite. As the earth moves round the Sun, so the Moon in turn revolves round the Earth. As it orbits the Earth, the Moon also turns on its axis. The time taken to complete one rotation is the same as that taken for one orbit – about 29.5 days. (سر اسرری ریاضی ۹۰)

🕒 The word «that» refers to _____ .

- 1) time 2) rotation 3) orbit 4) axis

واژه‌ی «آن» اشاره دارد به _____ .

(۱) زمان (۲) چرخش (۳) گردش (۴) محور

☞ time فاعل جمله است.

📖 کره‌ی ماه تنها قمر طبیعی زمین است. همان‌طوری که زمین به دور خورشید می‌گردد، ماه نیز هم‌زمان به دور زمین می‌گردد. هنگامی که آن (ماه) به دور زمین می‌گردد، ماه نیز حول محور خودش می‌چرخد. زمانی که برای یک دور کامل (ماه به دور خودش) صرف می‌شود، معادل همان مدت‌زمانی است که برای یک گردش (ماه به دور زمین) نیاز است. - (یعنی) حدود ۲۹٫۵ روز.

ضمیمه‌ها



Not all people experience decreased organ function to the same degree – some individuals have healthier hearts and kidneys at age 35 than others do at age 50. (سراسری زبان ۹۱)

The word "others" refers to _____ .

- 1) organs 2) kidneys 3) individuals 4) both hearts and kidneys

واژه‌ی «دیگران» اشاره دارد به _____ .

- (۱) اندامها (۲) کلیه‌ها (۳) افراد (۴) هم قلب‌ها هم کلیه‌ها

فاعل جمله، individuals است.

همه‌ی مردم به یک‌اندازه کاهش عملکرد در اندام‌های بدنشان را تجربه نمی‌کنند - برخی افراد قلب و کلیه‌ی سالم‌تری در سن ۳۵ سالگی نسبت به دیگران در سن ۵۰ سالگی دارند.

میانبر

دقیقاً اسم قبل از ضمیر موصولی (who, whom, which, that, when, where)، مرجع این ضمیر است و دلیل آن این است که این ضمیر دقیقاً اسم قبل از خود را توصیف می‌کنند.

A Greek philosopher called Democritus, about the year 400 BC, thought that all substances are built up from grains which cannot be subdivided. He used the Greek word *atomos* to describe these grains; *atomos* means undividable and gives us our word *atom*. (سراسری هنر ۹۰)

The word "which" refers to _____ .

- 1) atoms 2) grains 3) substances 4) parts

حدود ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، یک فیلسوف یونانی به نام دموکریت فکر می‌کرد که تمامی مواد از ذراتی تشکیل شده‌اند که دیگر نمی‌توانند به ذرات کوچک‌تر تقسیم شوند. او از واژه‌ی یونانی *atomos* برای توصیف این ذرات استفاده نمود؛ *atomos* به معنی غیرقابل تقسیم است که واژه‌ی *atom* از آن گرفته شده است.

واژه‌ی "which" اشاره دارد به _____ .

- (۱) اتم‌ها (۲) ذرات (۳) مواد (۴) قسمت‌ها

ضمیر موصولی which به اسم قبل از خود (grains) اشاره دارد.

The ever-changing nature of the atmosphere, the great computational power required to solve the equations that describe the atmosphere, error involved in measuring the initial conditions, and an incomplete understanding of atmospheric processes mean that forecasts become less accurate as the difference in current time and the time for which the forecast is being made increases. (سراسری ریاضی ۹۳)

The word "which" near the end of the paragraph refers to _____ .

- 1) processes 2) forecasts
3) difference in current time 4) time

ماهیت همواره در حال تغییر جو، توان بالای محاسباتی مورد نیاز برای حل معادلاتی که جو را توصیف می‌کنند، خطا (ی موجود) در اندازه‌گیری شرایط اولیه، درک ناقص فرایندهای جوی (همگی) به این معناست که هر چه تفاوت بین زمان حال و زمانی که پیش‌بینی در حال تهیه‌شدن است افزایش می‌یابد، پیش‌بینی‌های (هواشناسی) نادقیق‌تر می‌شوند.

واژه‌ی "which" نزدیک به انتهای پاراگراف اشاره دارد به _____ .

- (۱) فرایندها (۲) پیش‌بینی‌ها (۳) تفاوت‌ها در زمان حال (۴) زمان

ضمیر موصولی which به اسم قبل از خود (time) اشاره دارد. یادمان باشد که for حرف اضافه است نه اسم.



معنی واژه

قبل از این که به سراغ پاسخگویی به سوالات واژگانی برویم، لازم است که شما روش‌هایی را برای برخورد با واژگان ناآشنا در متن بیاموزید. یکی از اصلی‌ترین مشکلات داوطلبان کنکور، دست‌وپنجه نرم کردن با واژگان ناآشنا و غریبه در متن است. تا می‌توانید با اقتدار از روی واژگان ناآشنا بپرید و به یک درک کلی از متن برسید. اما گاهی اوقات برای درک بهتر و دقیق‌تر، شما ناگزیر هستید که به معنی واژه‌ی ناآشنا از طریق روش‌های زیر پی ببرید:

۱. حدس زدن از طریق واژگان پیرامون یا همسایه (Guessing)

I was so exhausted that I couldn't walk any more.

- 1) physical 2) lucky 3) tired 4) flexible

آن قدر exhausted بودم که دیگر نمی‌توانستم راه بروم.
واژه‌ی exhausted منجر به ناتوانی در راه رفتن شده است. پس حیطة‌ی کلی «خستگی» را شامل می‌شود.

معنی گزینه‌ها،
 ۱) جسمی ۲) خوش‌شانس ۳) خسته ۴) انعطاف‌پذیر

His father became quite furious when he saw his son smoking.

- 1) angry 2) happy 3) calm 4) relaxed

پدرش خیلی furious شد، وقتی پسرش را در حال سیگارکشیدن دید.
هنگامی که پدری فرزندش را در حال سیگارکشیدن می‌بیند، انتظارمان از او «عصبانی شدن یا ناراحت شدن = angry» است و طبیعتاً از او توقع نداریم که ۲) شاد، ۳) خونسرد و یا ۴) آرام شود.

۲. معنی‌کردن (Defining)

بعضی اوقات نویسنده از افعالی خاص برای معنی‌کردن یک واژه‌ی ناآشنا استفاده می‌کند. مانند:

is / are / means / is called / are called / is referred to as / refers to / is known as / ...

Seismology means the scientific study of earthquakes.

Seismology به معنی مطالعه‌ی علمی زلزله‌ها است. (در این‌جا معنی واژه‌ی seismology که بعد از فعل means آمده است، به معنی «زلزله‌شناسی» می‌باشد).

Smallpox is a serious disease that causes spots on your skin.

smallpox بیماری حادی است که باعث ایجاد جوش‌هایی (لکه‌هایی) روی پوست شما می‌شود. (در این مثال، معنی واژه‌ی smallpox که بعد از فعل is آمده است، به معنی «آبله‌مرغان» است).

۳. بیان مجدد مفاهیم (Restating)

و گاهی نویسنده‌ی دلسوز از طریق بیان مجدد مفاهیم، تلاش می‌نماید مفاهیم مشکل را برای خواننده آسان کند. برای این منظور، او از یکی از عبارات زیر استفاده می‌کند:



یا/ یعنی / یعنی / به عبارت دیگر / یعنی or / that is / that is to say/ in other words / i.e.

Some animals like bears hibernate; i.e. they sleep for the whole winter.

برخی حیوانات مانند خرس‌ها hibernate می‌کنند؛ یعنی آن‌ها تمام زمستان را می‌خوابند. (مفهوم واژه‌ی hibernate که پس از i.e. آمده است، به معنی «به خواب زمستانی رفتن» است).

A skyscraper or a building more than twenty stories high, is going to be built in this region.

قرار است یک skyscraper یا ساختمانی با بیش از بیست طبقه در این منطقه ساخته شود. (مفهوم واژه‌ی skyscraper که پس از or آمده، به معنی «آسمان‌خراش» است).

۴. علائم نشانه‌گذاری (Punctuation marks)

برخی اوقات نویسنده از علائم نشانه‌گذاری برای آسان‌نمودن مفاهیم مشکل استفاده می‌کند:

ویرگول (,) / پرانتز / خط تیره (-)

If someone is pugnacious, angry or upset, he is looking for trouble.

اگر کسی pugnacious، عصبی یا ناراحت باشد، به دنبال دردسر می‌گردد. (مفهوم تقریبی واژه‌ی pugnacious که بین دو ویرگول آمده است، به معنی «ستیزه‌گر» است.) (کاربرد بدل در زبان فارسی).

Only male lions grow a mane, the long hair around the shoulders, which grow darker and fuller as the animal ages.

(سراسری انسانی ۹۰)

فقط شیرهای نر mane موی بلند در اطراف شانه‌ها درمی‌آورند که هر چه سن حیوان بالاتر می‌رود، تیره‌تر و پرپشت‌تر می‌شود. (مفهوم واژه‌ی mane که بین دو ویرگول آمده است به معنی «یال» است، در واقع همان بدل است که آن را خوب می‌شناسید).

Occasionally, during this crescent phase, the whole disc may be seen faintly lit by Earthshine (light reflected from the Earth).

(سراسری ریاضی ۹۰)

بعضی اوقات، هنگامی که ماه در مرحله‌ی هلالی شکل است، قرص کامل ماه ممکن است به خاطر درخشش زمین (نور منعکس‌شده از زمین) کم‌نور دیده شود. (مفهوم واژه‌ی Earthshine در بین دو پرانتز آورده شده است).

۵. استفاده از کلمات و عبارات ربط تضاد (Contrast)

با استفاده از کلمات و عبارات تضاد در جمله، می‌توان با صبر و حوصله به معنای واژگان ناآشنا پی برد. مانند:

but, however / while, whereas / although , though , even though / unlike , despite , in spite of, in contrast
اما/ در حالی که/ اگرچه/ علی‌رغم

Although everyone played well, we lost the game.

اگرچه همه خوب بازی کردند، اما بازی را باختیم. (از طریق واژه‌ی تضاد although در جمله‌ی اول، می‌توان به معنی lost پی برد.)
Some snakes are not dangerous, but many are venomous.

بعضی از مارها خطرناک نیستند، اما بسیاری از آن‌ها سمی هستند. (با استفاده از but، عبارت not dangerous می‌تواند ما را به معنی واژه‌ی venomous برساند.)



Sima likes hard work, while Leila is a bit lazy.

سیمما سخت‌کوشی را دوست دارد در حالی که لیلا کمی تنبل است. (hard work متضاد lazy است).

میان‌بر برای پاسخ‌دادن به سوالات واژگانی

صورت سوالات واژگان معمولاً به یکی از شکل‌های زیر است:

- The word "x" means _____ .
- The word "x" in the 2nd paragraph is closest in meaning to _____ .
- The word "x" in line 8 refers to _____ .
- The word "x" could best be replaced by _____ .

روش پیدا کردن معنی واژه در متن

واژه‌ای که زیر آن خط کشیده شده است را در متن پیدا کنید. از لحاظ گرامری چه نقشی دارد؟ اسم، فعل، صفت یا قید	۱. تشخیص شکل گرامری واژه
اگر اسم است، ارتباطش با فعل چیست؟ چه صفاتی آن را توصیف می‌کند؟ اگر فعل است، فاعل و مفعولش چیست؟ چه قیدهایی آن فعل را توصیف می‌کند؟ پاسخ به این سوالات، سرنخ‌های مهمی را درباره‌ی معانی آن واژه در اختیار شما قرار خواهد داد که کلید پیدا کردن پاسخ تست‌ها است.	۲. واژه را با توجه به واژگان قبل و بعد از آن تجزیه و تحلیل کنید.
آیا حروف یا قیدهایی ربطی (however, moreover,...) یا کلمات مرجع، سرنخی برای یافتن معنی آن واژه به ما می‌دهند؟ آیا می‌توانید مترادفی را برای آن در جملات مجاورش بیابید؟ همچنین توجه به سرنخ‌هایی مانند، تعریف واژه، مثال‌ها، واژگان متضاد و مترادف به سرعت خواندن شما کمک می‌کند و شما را برای رسیدن به معنای واژه‌ی ناآشنا راهنمایی می‌کند.	۳. حالا واژه را براساس جملات قبل و جملات بعد به صورت کلی‌تر بررسی کنید.
با توجه به چهار گزینه‌ی سؤال، سعی کنید معنای آن را حدس بزنید. اغلب می‌توانید یک یا دو جوابی که می‌دانید غلط هستند را از دور خارج کنید. این کار، حدس‌زدن را برای شما آسان‌تر می‌کند.	۴. حدس بزنید.
برخی از واژگان دارای پیشوند، ریشه و پسوند هستند. در صورتی که بتوان واژه را به اجزای سازنده‌اش تقسیم کرد، می‌توان معنای کلی آن را نیز حدس زد. مثال: biography = bio (life) + graph (writing) = زندگی‌نامه	۵. در صورت امکان واژه را به بخش‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن بشکنید.
پاسخ خود را به جای واژه‌ای که در متن زیر آن خط کشیده شده است، بنشانید. آیا معنای متن را کامل می‌کند؟	۶. جایگزین کنید.

Normal, healthy individuals may plan their own exercise programs. The general rule is to exercise only until you feel very tired – that is, until breathing becomes laboured. (سرآسری انسانی ۹۱)

The word "labored" is closest in meaning to _____ .

- 1) deep
- 2) difficult
- 3) dangerous
- 4) regular



The general rule is to exercise only until you feel very tired – that is, until breathing becomes laboured.

۱. تشخیص شکل گرامری واژه

واژه‌ی "laboured" صفت است.

چون در این جمله بلافاصله قبل از آن واژه‌ی "very tired" وجود دارد و پس از آن عبارت "that is" آمده است، واژه‌ی "laboured" دارای مفهوم «سخت و طاقت‌فرسا» است.

۲. واژه را با توجه به واژگان قبل و بعد از آن تجزیه و تحلیل کنید.

جمله‌ی قبل از آن یعنی:

Normal, healthy individuals may plan their own exercise programs
بیان یک قانون کلی برای رسیدن به برنامه‌ی متناسب ورزشی مهیا می‌کند که در حقیقت پس از **that is** تعریفی برای این قانون که همان تمرین کردن تا وقتی که نفس کشیدن سخت شود، را ارائه می‌دهد.

۳. حالا واژه را براساس جملات قبل و جملات بعد به صورت کلی‌تر بررسی کنید.

حداً ما با توجه به موارد بالا واژه‌ای خواهد بود که بتواند معنای «نفس را به شماره انداختن» را تداعی کند. بنابراین برای حذف گزینه می‌توانیم گزینه‌های با مفهوم مثبت ۱ و ۴ را کنار بگذاریم.

۴. حدس بزنید.

در این‌جا پسوند ed اسم labour را به صفت تبدیل می‌کند.

۵. در صورت امکان واژه را به بخش‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن بشکنید.

صفت - labour + ed

حال به جای واژه‌ی laboured، x بگذارید و گزینه‌ی ۲ و ۳ را به نوبت به جای x قرار دهید. حالا به نظراتان با کدام گزینه، جمله بهتر جفت‌وجور می‌شود؟

۶. جایگزین کنید.



افراد سالم و نرمال ممکن است برنامه‌های ورزشی خودشان را داشته باشند. قانون کلی این است که ورزش کنید تا این‌که خیلی خسته شوید - یعنی تا زمانی که نفس کشیدنتان laboured شود.

- (۱) عمیق (۲) سخت (۳) خطرناک (۴) منظم

درداری: هر چه بیشتر متن تمرین کنی، پای‌گذاری و مقایسه‌ی گزینه‌ها سریع‌تر خواهد شد. امیدوار باشید!

Digital cameras use a light-sensitive chip, instead of film, and store pictures as digital image files that can be transferred to a computer. (سراسری انسانی ۹۴)

What does the word "store" mean?

- 1) join 2) show 3) save 4) provide

دوربین‌های دیجیتال از یک تراشه‌ی حساس به نور به جای فیلم عکاسی استفاده می‌کنند و تصاویر را به صورت فایل‌های تصویری دیجیتال store می‌کنند که می‌تواند به یک رایانه منتقل شود. (خب، اگر گزینه‌ها را به نوبت به جای store بگذارید، کدام گزینه پازل متن ما را کامل می‌کند؟)

- (۱) ملحق شدن (۲) نشان دادن (۳) ذخیره کردن (۴) فراهم کردن

سؤال از جزئیات متن

قطعاً یک یا چند سؤال از هر متن به این دسته تعلق دارد پس این دسته از سؤالات بسیار مهم هستند. در صورت این سؤالات از واژگان یا عبارات زیر استفاده می‌شود:

when, who, where, what, which, ...
because, since, as, before, after, ...
according to



- The writer mentions / states that _____
 According to the passage, it is NOT true that _____
 All of the following are mentioned in the passage EXCEPT _____
 It is TRUE/FALSE that _____

طریقه‌ی پاسخگویی به سؤالات جزئی (Factual Questions)

۱. واژگان کلیدی را در صورت سؤال مشخص کنید.	به صورت سؤال نگاه کنید و زیر واژگان کلیدی خط بکشید. واژگان کلیدی اکثراً همان واژگان محتوایی (content words) مانند اسم‌ها، فعل‌ها و صفات هستند.
۲. پاراگراف مربوطه را به طور اجمالی بخوانید. (scan)	معمولاً سؤالات جزئی از پاراگراف خاصی طرح می‌شوند، بنابراین در آن پاراگراف به دنبال واژگان کلیدی، مترادف‌ها یا مفاهیم مرتبط بگردید. معمولاً اگر چند نوع از این سؤالات وجود داشته باشد؛ به ترتیب اطلاعات ارائه شده در متن خواهند بود.
۳. جمله‌ی مرتبط را بخوانید.	وقتی که واژگان کلیدی، مترادف‌ها یا مفاهیم مرتبط را یافتید، جمله‌ی مربوطه را موشکافانه بخوانید. حتی در صورت نیاز جملات مجاور آن را نیز بخوانید. حالا اطلاعات داده شده در متن را با گزینه‌های داده شده مقایسه کنید.
۴. حذف کنید.	با روش شیرین حذف گزینه، گزینه‌های نادرست را حذف کنید.
۵. پاسخ صحیح را انتخاب کنید.	پاسخی را انتخاب کنید که به بازگویی یا شرح اطلاعات داده شده در متن پرداخته باشد.

The idea of being employed, or working in exchange for money paid as salary or wages, is a relatively recent one. It started fully with the Industrial Revolution in the 1760s. Thousands of years before then, when **primitive** tribes wandered the Earth, everyone – man, woman, and child – worked just to survive, by hunting, gathering food, making clothes, cooking, looking after babies, and handling the houses.

⚡ According to the passage, in primitive time _____ . (سراسری تیرگی ۹۲)

- 1) employees worked without force
- 2) people worked by hunting animals
- 3) everyone worked to continue to live
- 4) employers refused to hire people

primitive	۱. واژگان کلیدی را در صورت سؤال مشخص کنید.
Thousands of years before then, when primitive tribes wandered the Earth, everyone – man, woman, and child – worked just to survive , by hunting , gathering food, making clothes, cooking, looking after babies, and handling the houses.	۲. پاراگراف مربوطه را به طور اجمالی بخوانید. (scan)
با نگاهی به گزینه‌ها، می‌توانیم واژگان کلیدی مرتبط مانند بالا را پیدا کرده و به آن‌ها دقت کنیم. در مورد گزینه‌ی ۱ در متن حرفی از «اجبار = force» به میان نیامده است. در مورد گزینه‌ی ۴ در متن هیچ صحبتی از «کارفرمایان = employers» نشده است.	۳. جمله‌ی مرتبط را بخوانید.
در مورد گزینه‌ی ۲، اگرچه متن به شکار حیوانات اشاره کرده است، ولی دلیل آن را کارکردن نمی‌داند. بلکه با توجه به واژه‌ی «survive» هدف از کارکردن را تنها «زنده ماندن» می‌داند.	۴. حذف کنید.
	۵. پاسخ صحیح را انتخاب کنید.



ایده‌ی استخدام‌شدن یا کار کردن در ازای پولی که به صورت حقوق ماهیانه یا هفتگی پرداخت می‌شود، نسبتاً ایده‌ی نویی است. این ایده کاملاً با انقلاب صنعتی در دره‌ی ۱۹۶۰ آغاز شد. هزاران سال پیش از آن، زمانی که قبایل نخستین در زمین سرگردان بودند، همه - مرد، زن و بچه - تنها به منظور حفظ بقا، از طریق شکار، جمع‌آوری غذا، دوختن لباس، آشپزی، مراقبت کردن از بچه‌ها و اداره کردن خانه کار می‌کردند.

براساس متن، در زمان (انسان‌های) نخستین _____ .

(۲) مردم به وسیله‌ی شکار حیوانات کار می‌کردند.

(۱) کارگران بدون اجبار کار می‌کردند.

(۴) کارفرمایان از استخدام مردم امتناع می‌کردند.

(۳) همه برای ادامه‌ی زندگی کار می‌کردند.

شما ابتدا باید تسلط کامل به واژگان کتاب درسی داشته باشید! سنه، مثلاً همین survive از واژگان درس ۴ کتاب سال چهارم است.

Finally, he is left among the Houyhnhnms – a race of horses that are wiser and more intelligent than their human servants, the Yahoos. Rejected by the Houyhnhnms, Gulliver returns to England, where he is no longer able to tolerate the company of other humans. (سراسری قارج از کشور ۹۳)

Who were the Yahoos?

- 1) Humans who served the horses
- 2) A group of wise, intelligent horses
- 3) The people Gulliver met in Brobdingnag
- 4) The people that Gulliver could not tolerate

سرنجام، او در میان Houyhnhnms – که نژادی از اسب‌هایی هستند که عاقل‌تر و باهوش‌تر از خدمت‌گزاران انسانشان یعنی Yahoos می‌باشند، رها می‌شود. وقتی که گالیور توسط Houyhnhnms طرد می‌شود، به انگلستان برمی‌گردد، جایی که او دیگر قادر به تحمل مصاحبت با سایر انسان‌ها نیست.

Yahoos چه کسانی بودند؟

- (۱) انسان‌هایی که به اسب‌ها خدمت کردند.
- (۲) گروهی از اسب‌های عاقل و باهوش.
- (۳) مردمی که گالیور در Brobdingnag ملاقات کرد.
- (۴) مردمی که گالیور نمی‌توانست تحملشان کند.

به واژه‌ی Yahoos در صورت سؤال و متن دقت کنید. وجود عبارت human servants (خدمت‌گزاران انسان)، ما را به سمت گزینه‌ی ۱ سوق می‌دهد.

طریقه‌ی پاسخگویی به سؤالات جزئی منفی

طریقه‌ی شناخت این نوع از سؤالات بسیار راحت بوده زیرا صورت سؤال از پاسخی می‌پرسد که در متن وجود ندارد. ممکن است نوع سؤال به شکل "All of the following are true EXCEPT..." یا "Which statement about the passage is NOT true?" باشد. برای پاسخ به این‌گونه سؤالات شما باید بدانید که سه گزینه درست است و یک گزینه غلط بوده یا در متن ذکر نشده است. این نوع از سؤالات ممکن است نیاز به زمان بیشتری برای پاسخگویی داشته باشند. بنابراین اگر هنوز مدیریت زمان ندارید قید آن را بزنید اما اگر سؤال آسان بود بلیط خود را نسوزانید و اگر در انتها زمانی برایتان باقی ماند، به سراغ آن‌ها بروید.





به صورت سؤال نگاه کنید و زیر واژگان کلیدی صورت سؤال و گزینه‌ها خط بکشید. واژگان کلیدی اکثراً همان واژگان محتوایی (content words) مانند اسم‌ها، فعل‌ها و صفات هستند.	۱. واژگان کلیدی را مشخص کنید.
به دنبال واژگان کلیدی یا بیان مجدد آن‌ها در متن بگردید. بعضی مواقع شما تمامی گزینه‌ها را در یک جمله می‌یابید. اما گاهی واژگان کلیدی ممکن است در یک پاراگراف یا حتی در کل متن پخش شده باشند که در این صورت زحمت شما زیاد می‌شود و بایستی برای یافتن هر گزینه به طور جداگانه در متن بگردید.	۲. پاراگراف مربوط را به طور اجمالی بخوانید. (scan)
وقتی که قسمت مربوطه را یافتید، شروع به خواندن آن کنید و آن را با گزینه مقایسه نمایید.	۳. حالا آن قسمت را بخوانید.
اگر گزینه‌ای طبق متن درست است، فوراً آن را حذف کنید.	۴. از روش رد گزینه استفاده کنید.



It is an ancient city with many monuments of the 17th century Mogul period. The Lal Bagh camp was begun by a son of the emperor Aurangzeb in 1684. There are more than 700 mosques, including one built as far back as 1456. A Christian church was built by a Portuguese mission in 1677 at a time when Dhaka was the capital of Bengal and a great center of trade.

(سراسری ریاضی ۹۲)

Which statement about the passage is NOT true?

- 1) Dhaka is an ancient city with so many 17th century monuments.
- 2) The Lal Bagh Camp was begun by the emperor Aurangzeb in 1684.
- 3) There are more than 700 mosques, including one built in the 15th century.
- 4) The Christian church was built by the Portuguese when Dhaka was economically important.



Dhaka, monuments, 17th century - ۱ The Lal Bagh, the emperor Aurangzeb - ۲ mosques, 15th century - ۳ The Christian church, Portuguese - ۴	۱. واژگان کلیدی را مشخص کنید.
It is an ancient city with many monuments of the 17th century Mogul period. The Lal Bagh camp was begun by a son of the emperor Aurangzeb in 1684. There are more than 700 mosques , including one built as far back as 1456 . A Christian church was built by a Portuguese mission in 1677 at a time when Dhaka was the capital of Bengal and a great center of trade.	۲. پاراگراف مربوط را به طور اجمالی بخوانید. (scan)
همان‌طور که دیدید در متن به دنبال واژگان کلیدی یا مترادف و متضادهایشان گشتیم و آن‌ها را مشخص کردیم.	
حالا تک‌تک گزینه‌ها را با قسمت‌های مرتبط با متن مقایسه کنید. گزینه‌ی ۱ دقیقاً در خط اول بیان شده است، پس درست است. در خط سوم، سال ۱۴۵۶ یعنی قرن ۱۵ که براساس آن، گزینه‌ی ۳ نیز درست است. نهایتاً با توجه به «a great center of trade» متوجه ارزش اقتصادی داکا می‌شویم که گزینه‌ی ۴ نیز بر این اساس درست است.	۳. حالا آن قسمت را بخوانید.
گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ به دلایل فوق رد می‌شوند و تنها گزینه‌ی ۲ باقی می‌ماند چون اردوگاه «لال‌باغ» توسط «پسر امپراتور» احداث شد نه «خود امپراتور».	۴. از روش رد گزینه استفاده کنید.



این شهری باستانی است با بناهای تاریخی بی شماری از دوره مغول در قرن ۱۷. اردوگاه «لال باغ» توسط پسر امپراتور، اورنگ‌زیب، در ۱۶۸۴ احداث شد. بیشتر از ۷۰۰ مسجد از جمله مسجدی که تاریخ ساختش به سال ۱۴۵۶ برمی‌گردد، وجود دارد. یک کلیسای مسیحی توسط یک مبلغ مذهبی پرتغالی در سال ۱۶۷۷ یعنی زمانی که داکا پایتخت بنگال و مرکز اصلی دادوستد بود، ساخته شد.

کدام جمله درباره‌ی متن درست نیست؟

- (۱) داکا شهری باستانی با تعداد بی شماری از بناهای قرن ۱۷ است.
 - (۲) اردوگاه «لال باغ» توسط امپراتور اورنگ‌زیب در سال ۱۶۸۴ احداث شد.
 - (۳) بیش از ۷۰۰ مسجد از جمله مسجدی که در قرن ۱۵ ساخته شد، وجود دارد.
 - (۴) کلیسای مسیحی توسط پرتغالی‌ها ساخته شد، زمانی که داکا از لحاظ اقتصادی اهمیت داشت.
- در این نوع سؤال باید واژه‌ی کلیدی هر گزینه را در متن پیدا کنید و گزینه را با جمله‌ی مربوطه در متن مطابقت دهید. هر کدام که مغایرت داشت، غلط است. مثلاً در مورد گزینه‌ی ۲، اردوگاه «لال باغ» توسط پسر امپراتور (son of the emperor) ساخته شد نه خود امپراتور!

پایر به شیفته‌ی تاریخ ادبیاتی طراح باهوش تست وقت‌کنید! از ریاضیات غافل نشوید مثلاً در متن، سال ۱۳۵۶ هجری است و در گزینه‌ی ۳ نیز قرن ۱۵ عنوان شده است. بنابراین برای تبدیل سال به قرن، فقط کافیست دو رقم ابتدای عدد را با عدد ۱ جمع کنید. مثلاً: ۱۳۰۱ = ۱۵

سوالات استثناء (که دارای NOT و EXCEPT هستند) را بهتر است در آخر پاسخ دهید. چون این قبیل سوالات کمی وقت‌گیرند.

نوع چهارم: عنوان یا ایده‌ی اصلی متن

یکی از سوالات چالشی درک مطلب، سوالات مربوط به عنوان یا ایده‌ی اصلی متن است. بهتر است بدانید این نوع سؤال یکی از جدی‌ترین کاندیداهای مطرح‌شده در کنکور سراسری است.

- The passage is mainly about _____ .
 What does the passage mainly discuss?
 What is the best title for the passage?
 The passage mainly deals with _____ .
 What does paragraph _____ mainly discuss?

روش پیدا کردن عنوان متن یا ایده‌ی متن

به وقت نبینم نشستید کل متن رو می‌خونید! اصلاً نیازی به خوندن کل متن نیست.

میانبر

برای متن‌هایی که بیش از یک پاراگراف دارند، جمله‌ی اول پاراگراف ۱ و جمله‌ی اول پاراگراف ۲ را بخوانید و گزینه‌ی را انتخاب کنید که این دو جمله درباره‌اش حرف زده باشند (برای محکم‌کاری آخرین جمله‌ی متن را هم بخوانید). اما در متن‌های یک پاراگرافی خواندن جمله‌ی اول و آخر متن کفایت می‌کند.

Books that tell children about the lives of real people, or about real things in the world, are nowadays not at all dull and not at all like lesson books. One of the best life stories, or biographies, of famous people is Mother Teresa by Anne Sebba. Other similar books are A Hand Upon Time (about Charles Dickens) and



Mountbatten: Hero. Some books are a part of a series, each title is a separate biography of some famous person. There are many books about people who live ordinary lives but who represent the changing face of the world. There are books about people who have led their countries through times of great stress, and about people who work for and within a particular belief.

People have differing interests in life, and there are a great many books available to cover most hobbies and leisure activities. Subjects such as music, painting, camping, and crafts are covered for various age-groups, so that readers should always be able to find something of interest.

(تبریزی ۸۹/۱۳)

What is the subject of the passage?

- 1) books
- 2) famous people
- 3) biographies
- 4) real things in the world

عنوان متن چیست؟

- ۱) کتابها ۲) افراد مشهور ۳) زندگی‌نامه‌ها ۴) چیزهای واقعی در جهان

ترجمه‌ی جمله‌ی اول پاراگراف اول: کتاب‌هایی که با کودکان درباره‌ی افراد واقعی یا چیزهای واقعی در جهان صحبت می‌کنند، امروزه دیگر اصلاً کتاب‌های ملال‌آوری نیستند و به هیچ‌وجه مانند کتاب‌های درسی نمی‌باشند.

ترجمه‌ی جمله‌ی اول پاراگراف دوم: افراد علایق متفاوتی در زندگی دارند و کتاب‌های بسیار زیادی برای پرداختن به بیشتر سرگرمی‌ها و فعالیت‌های اوقات فراغت در دسترس است.

معمولاً جمله‌ی اول پاراگراف اول، ایده‌ی اصلی را به ما معرفی می‌کند (جمله‌های بعد از آن، اطلاعات و مثال‌هایی برای بیشتر پرداختن در مورد ایده‌ی اصلی هستند). حواسمان باشد مثال و اطلاعات اضافی را با «عنوان متن» اشتباه نگیریم! همان‌طور که در ترجمه‌ی جملات اول هر پاراگراف مشخص است، تنها گزینه‌ای که این دو جمله درباره‌اش حرف زده‌اند، گزینه‌ی ۱ است. تا همین‌جا جواب سؤال لو رفت اما برای دل شما هم که شده بقیه‌ی گزینه‌ها را هم بررسی می‌کنیم! آیا گزینه‌ی ۲ (افراد مشهور) در هیچ‌یک از جملات اول هر پاراگراف دیده می‌شود؟ قطعاً خیر. اما در مورد گزینه‌ی ۳ (زندگی‌نامه‌ها) و ۴ (چیزهای واقعی در جهان) فقط در جمله‌ی اول پاراگراف اول درباره‌ی آن‌ها صحبت شده است و در سایر پاراگراف‌ها از آن‌ها حرفی زده نشده است.

It's hard to make friends if you stay home alone all the time. You need to get out of the house and do things that will help you meet other people. Join a club, play a sport, do volunteer work. You'll find that it's easier to make friends with people who have similar interests.

Learn from people at school or work who seem to make friends easily. Observe their behavior.

How do they make other people feel comfortable? Notice what they say and how they act. Don't copy everything they do, but try some of their techniques. It will help you develop your own social style.

Think of some topics that would make good conversation. Find out the latest news, listen to the most popular types of music, or watch an interesting movie or TV show. The more you have to say, the more people will want to talk with you.

Be a good listener, and let people talk about themselves. Don't try to dominate the conversation with «me, me, me». Ask lots of questions. Show an interest in the answers. This will make people feel special, and they will want to be your friend.

When you start to get to know someone, don't be friendly and talkative one day and too shy to have a conversation the next day. Be consistent. Consistency is a quality that people look for in friends.

Have confidence in yourself. Don't be self-critical all the time. It's hard to get other people to like you if you don't like yourself. Think of your good qualities and all the reasons people would want your friendship.

Pursue the friendships you really want, with people that you like, respect, and admire.

Try to meet a lot of people, too. That way, you'll have a bigger group to choose from and a better chance to make friends.

(سراسری هنر ۹۳)

What does the passage mainly discuss?

- 1) What to do to make your life more interesting
- 2) Problems of people who prefer to live alone
- 3) How to overcome old habits of friendship
- 4) What to do to make friends

متن عمدتاً درباره‌ی چه چیزی بحث می‌کند؟

- ۱) چه کنید تا زندگی‌تان جالب‌تر شود.
- ۲) مشکلات افرادی که ترجیح می‌دهند تنها زندگی کنند.
- ۳) چه‌طور بر عادات‌های قدیمی در دوستی غلبه کنید.
- ۴) برای دوست‌یابی چه کنید.

ترجمه‌ی جمله‌ی اول پاراگراف ۱: اگر همیشه در خانه تنها باشید، پیدا کردن دوست دشوار است. شما لازم است از خانه بیرون

بروید و کارهایی انجام دهید که به شما کمک می‌کنند افراد دیگری را ملاقات کنید.

ترجمه‌ی جمله‌ی اول پاراگراف ۲: از افرادی که در مدرسه یا محل کار هستند و به نظر می‌رسد که به راحتی دوست پیدا می‌کنند،

یاد بگیرید.

همان‌طور که در ترجمه‌ی جملات اول پاراگراف‌ها دیده می‌شود، تنها گزینه‌ای که هر دو پاراگراف به بحث درباره‌ی آن پرداخته‌اند، گزینه‌ی

۴ می‌باشد. در ضمن هیچ رد پایی از گزینه‌های دیگر در این دو جمله وجود ندارد.

When aircraft and balloons first took to the skies, the people in them were amazed at their new view of the world. From hundreds of feet up they could see the layout of a large city, the shape of a coastline, or the patchwork of fields on a farm. Today, we have an even wider view. Satellites circle the Earth, not hundreds of feet, but hundreds of miles above the ground. From this great height, satellites provide a unique image of our planet. Some have cameras that take photographs of land and sea, giving information about the changing environment on Earth. Others plot weather patterns or probe into space and send back data about planets and stars. All of these are artificial satellites that have been launched into space from Earth. However, the word satellite actually means any object that moves around a planet while being held in orbit by the planet's gravity. There are countless natural satellites in the universe: the Earth has one - the Moon. Meanwhile, there are many types of artificial satellites. Weather satellites observe rain, storms, and clouds, and measure land and sea temperatures. Spy satellites observe military targets from low altitudes and send back detailed pictures to ground stations. **Earth observation satellites monitor vegetation, air and water pollution, population changes, and geological factors such as mineral deposits.** (سراسری قاج از کشور ۹۳)

What is the passage mainly about?

- 1) How satellites help man
- 2) Natural versus artificial satellites
- 3) What satellites look like
- 4) How balloons were replaced by satellites

متن عمدتاً درباره‌ی چیست؟

- ۱) چه‌طور ماهواره‌ها به بشر کمک می‌کنند؟
- ۲) قمرهای طبیعی در قیاس با ماهواره‌های مصنوعی
- ۳) ماهواره‌ها چه شکلی هستند؟
- ۴) چگونه بالون‌ها به وسیله‌ی ماهواره‌ها جایگزین شدند




ترجمه‌ی جمله‌ی اول پاراگراف: هنگامی که برای اولین بار هواپیما و بالون‌ها به آسمان رفتند، افرادی که داخل آن‌ها بودند به خاطر زاویه‌ی دید جدیدی که از آن به جهان می‌نگریستند، شگفت زده شدند.

ترجمه‌ی جمله‌ی آخر متن: ماهواره‌های نظارت بر زمین، پوشش گیاهی، آلودگی آب‌وهوا، تغییرات جمعیتی، عوامل زمین‌شناسی مانند ذخایر معدنی را رصد می‌کنند.

اطلاعات داده‌شده در دو جمله‌ی اول و آخر این متن فقط با گزینه‌ی ۱ هماهنگ است و با سایر گزینه‌ها هم‌خوانی ندارد.

هیس این پیچ را کمی جری بگیرید:

در لنگوره‌های گذشته موارد بسیار مفردی وجود داشته‌اند که پیداکردن عنوان را کمی وقت‌گیر کرده‌اند؛ یعنی شاید با خواندن هم‌لغات اول و آخر پاراگراف‌ها نتوانید عنوان متن را حدس بزنید، اما این مسئله خیلی جری نیست! چرا؟ به خاطر این‌که اگر از مثال‌ها و پی‌نهایت اول پاراگراف بگذریم، در هم‌لغات دوم و سوم به جمله‌ای که دربرگیرنده‌ی عنوان متن است، می‌رسیم. به مثال زیر توجه کنید:

 Ask your child to get groceries for you or place them in the basket. Give your child educational instructions, such as «Get me the green can, please», or «Bring me the bag of rice, please». Don't forget to say «please» and «thank you», when appropriate.


Involve your child into a friendly chat about what you're doing. For example, you might say: «We're going to make sandwiches with this hamburger meat. You really like sandwiches, don't you?»

This is also a good time to educate your kid. For example, «Bananas grow on trees. What else can you think of that grows on trees?» or «All fruits have a skin or cover on them to protect them from rain and bugs». By your frequent physical contact, praise, teaching, and pleasant conversation, your child will remain much more interested in the trip. By actually helping you, he will learn that stores are a fun place to visit.

If your child breaks one of your rules, immediately make him sit in «time-out». This can be any place that is generally out of the normal flow of foot traffic. In a grocery store, you can just point to one of the tile floor squares and firmly tell your child to sit on that square because he walked away from you. In a restaurant, you can simply turn your child's chair around. If the restaurant is not very crowded, you can place your child on another chair about 3 to 4 feet away from you. As soon as your child is quiet for about half a minute, tell him that it is okay to get up or to turn his chair back to the table.

What does the passage mainly discuss?

- 1) Going to public places with your kid can give a chance to make him/her learn new things.
- 2) A good education of kids by parents is not an easy thing to do and takes a lot of time and patience.
- 3) Children learn new things more by doing than listening to someone talking about good behavior.
- 4) Quick punishment is necessary if you see your child breaks rules of behavior in public places.

 از فرزندتان بخواهید که برای شما خواربار را بیاورد و در سبد قرار دهد. به کودکان دستورات آموزشی مانند «لطفاً آن قوطی سبزی را به من بده» یا «لطفاً آن کیسه‌ی برنج را برایم بیاور» دهید. فراموش نکنید که در زمان مناسب بگویید «لطفاً» و «متشکرم».

فرزندتان را با صحبتی دوستانه در مورد کاری که در حال انجام‌دادن آن هستید، مشغول کنید. مثلاً، می‌توانید بگویید «می‌خواهیم با این گوشت همبرگر، ساندویچ درست کنیم. تو واقعاً ساندویچ دوست داری، مگر نه؟»

علاوه بر این، این زمان می‌تواند فرصت بسیار خوبی برای آموزش‌دادن فرزندتان باشد. مثلاً، «موز روی درخت می‌روید، فکر می‌کنید چه چیز دیگری روی درخت رشد می‌کند؟» یا «همه‌ی میوه‌ها پوست یا پوششی رویشان دارند که از آن‌ها در برابر باران و حشرات محافظت به عمل می‌آورد». با ارتباط فیزیکی، تحسین، آموزش مکالمات جذاب مکرر، فرزندتان خیلی بیشتر به این سفر علاقه‌مند خواهد ماند. در حقیقت او با کمک کردن به شما می‌آموزد که مغازه‌ها، مکان‌های جالبی برای رفتن هستند.

اگر فرزندتان یکی از قوانین شما را اجرا نکرد، بلافاصله او را وادار کنید که مدتی در «محل دور از آن‌جا» بنشیند. این محل می‌تواند هر جایی که عموماً خارج از جریان عادی رفت‌وآمد است، باشد. در یک مغازه‌ی خواربارفروشی، شما می‌توانید به یکی از مربع‌های کفپوش

زمین اشاره کرده و به کودکان بگوید که چون از شما فاصله گرفته است، باید روی آن مربع بنشیند. در رستوران، کافیسف فقط صدلی فرزندتان را بچرخانید و اگر رستوران خیلی شلوغ نبود، می‌توانید او را روی صدلی دیگری در فاصله‌ی سه تا چهار فوتی از خود بنشانید. به محض این‌که فرزندتان حدوداً سی ثانیه ساکت شد، به او بگوید که می‌تواند از جایش بلند شود یا صدلی‌اش را به سمت میز بچرخاند. متن عمدتاً درباره‌ی چه چیزی بحث می‌کند؟

- ۱) رفتن به مکان‌های عمومی به همراه فرزندتان می‌تواند فرصتی برای او ایجاد کند تا چیزهای جدیدی بیاموزد.
 - ۲) آموزش مناسب کودکان به وسیله‌ی والدین کار راحتی نیست و به وقت و حوصله‌ی زیادی نیاز دارد.
 - ۳) کودکان بیش از آن‌که با گوش کردن به کسی که در مورد رفتاری خوب صحبت می‌کند، از انجام دادن آن عمل چیزهای جدید می‌آموزند.
 - ۴) اگر مشاهده کردید که فرزندتان اصول رفتاری را در مکان‌های عمومی رعایت نمی‌کند، تنبیه کردن سریع ضروری است.
- خب، با خواندن جملات رنگی، به کدام گزینه می‌رسید؟

نوع پنجم: سوالات استنباطی


یکی از وقت‌گیرترین سوالات درک مطلب، سوالات استنباطی است و چون در کنکور بمب ساعتی شمارش معکوس خود را شروع کرده و ما هر لحظه نگران سوت پایان هستیم، این نوع سوالات را در آخر پاسخ می‌دهیم حتی اگر جزء اولین سوالات متن باشد. شکل سوالات استنباطی:

- ▶ It can be understood from the passage that _____.
- ▶ The passage points out that _____.
- ▶ The writer believes that _____.
- ▶ It can be concluded from the text that _____.
- ▶ The passage suggests that _____.
- ▶ It is most likely that _____.
- ▶ It can be inferred that _____.
- ▶ The text implies that _____.
- ▶ What does the writer implicitly say in the paragraph?

طریقه‌ی پاسخگویی به سوالات استنباطی

۱. واژگان کلیدی را در صورت سؤال سؤال نگاه کنید و زیر واژگان کلیدی خط بکشید. واژگان کلیدی اکثراً همان واژگان محتوایی (content words) مانند اسم‌ها، فعل‌ها و صفات هستند.	۲. پاراگراف مربوط را به طور اجمالی بخوانید. (Scan)
معمولاً سوالات استنباطی از پاراگراف خاصی طرح می‌شوند. بنابراین در آن پاراگراف به دنبال سرخ‌هایی مثل واژگان کلیدی، مترادف‌ها، متضادها یا مفاهیم مرتبط بگردید.	۳. جمله‌ی مرتبط را بخوانید.
وقتی که واژه یا عبارت کلیدی را در متن پیدا کردید، آن جمله و یا در صورت نیاز جملات مجاورش را بخوانید.	۴. استنباط کنید.
سعی کنید از اطلاعات موجود در متن یک برداشت کلی داشته باشید که با یکی از گزینه‌ها مطابقت داشته باشد.	۵. از روش حذف گزینه استفاده کنید.
گزینه‌هایی که با اطلاعات متن در تضاد هستند یا عیناً واژگان یا عبارات متن را کپی کرده‌اند را بی‌درنگ حذف کنید چون استنباط به معنای برداشت غیرمستقیم از متن است نه به معنای کپی کردن متن.	۶. انتخاب کنید.
گزینه‌ای که برداشت منطقی از اطلاعات موجود در متن است را از بین گزینه‌ها انتخاب کنید.	



 Sarah's house is made of stone, a few hundred years old, typical of the kind of place for sale cheaply here. Like actually all the village houses it's attached to the neighbouring ones. Inside, it is dark and cool. When Sarah bought the house, it had cold running water, some missing floors, and the fireplace didn't work.

(سراسری انسانی ۹۱)

 It can be understood from the passage that when Sarah bought her house it _____ .

- 1) was good enough to live in
- 2) required some repairs
- 3) was in the same condition as the other houses
- 4) was older than the other houses in the village

It can be understood from the passage that when Sarah bought her house, it ...

۱. واژگان کلیدی را در صورت سؤال مشخص کنید.

واژگان کلیدی صورت سؤال پررنگ شده است.

When Sarah bought the house...

۲. پاراگراف مربوط را به طور اجمالی بخوانید. (scan)

حالا واژگان کلیدی را در متن پیدا کردیم و برای رسیدن به پاسخ باید همین خط یا حوالی آن خوانده شود.

When Sarah bought the house, it had cold running water, some missing floors, and the fireplace didn't work.

۳. جمله‌ی مرتبط را بخوانید.

سرنخ‌ها برای پاسخگویی پررنگ شده‌اند. حالا به ترجمه‌ی این خط توجه کنید:
وقتی سارا خانه را خرید، آب لوله‌کشی‌اش سرد بود، تکه‌هایی از کفپوش آن نبود و شومینه هم کار نمی‌کرد.

۴. استنباط کنید.

با توجه به جمله‌ی آخر پاراگراف، این خانه مشکلاتی دارد.
گزینه‌ی ۱ نمی‌تواند پاسخ صحیح باشد چون شرایط زندگی در خانه مناسب نیست. به گزینه‌های ۳ و ۴ نیز در متن اشاره‌ای نشده است.

۵. از روش حذف گزینه استفاده کنید.


پس از حذف گزینه‌ها، با توجه به جمله‌ی آخر پاراگراف، می‌فهمیم که این خانه نیاز به مقداری تعمیرات داشته است. بنابراین گزینه‌ی ۲ صحیح است.

۶. انتخاب کنید.

از متن فهمیده می‌شود که وقتی سارا خانه را خرید، _____ .

- (۲) به مقداری تعمیرات نیاز داشت
- (۴) قدیمی‌تر از خانه‌های دیگر در روستا بود

- (۱) برای زندگی کردن به اندازه‌ی کافی مناسب بود
- (۳) وضعیتی مانند خانه‌های دیگر داشت

 When aircraft and balloons first took to the skies, the people in them were amazed at their new view of the world. From hundreds of feet up they could see the layout of a large city, the shape of a coastline, or the patchwork of fields on a farm. Today, we have an even wider view. Satellites circle the Earth, not hundreds of feet, but hundreds of miles above the ground. From this great height, satellites provide a unique image of our planet. Some have cameras that take photographs of land and sea, giving information about the changing environment on Earth. Others plot weather patterns or probe into space and send back data about planets and stars. All of these are artificial satellites that have been launched into space from Earth. However, the word satellite actually means any object that moves around a planet while being held in orbit by the planet's gravity. There are **countless** natural satellites in the universe: the Earth has one - the Moon. Meanwhile, **there are many types of artificial satellites**. **Weather satellites** observe rain, storms, and clouds, and measure and sea temperatures. **Spy satellites** observe military targets from low altitudes and send back detailed pictures to ground stations. **Earth observation satellites** monitor vegetation, air and water pollution,

population changes, and geological factors such as mineral deposits.

Which of the following is understood from the passage?

- 1) In today's world, there is no need for balloons at all.
- 2) Artificial satellites are more varied in application than natural satellites.
- 3) The most important data a satellite can send is information about other planets.
- 4) There are a lot more artificial satellites in the universe compared to natural satellites.

کدام یک از موارد زیر از متن فهمیده می‌شود؟

- ۱) در دنیای امروز، اصلاً هیچ نیازی به بالون‌ها نیست.
- ۲) ماهواره‌های مصنوعی نسبت به اقمار طبیعی، کاربردهای متنوع‌تری دارند.
- ۳) مهم‌ترین اطلاعاتی که یک ماهواره می‌تواند ارسال کند، اطلاعاتی درباره‌ی سایر سیارات است.
- ۴) ماهواره‌های مصنوعی بسیار بیشتری در جهان نسبت به اقمار طبیعی وجود دارد.

باید تک‌تک گزینه‌ها را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

در ارتباط با گزینه‌ی ۱، هیچ اطلاعاتی مبنی بر نیاز یا عدم نیاز به بالون‌ها در هیچ کجای متن نیامده است. علاوه بر آن، این گزینه دارای واژگان مطلق‌گرای no و all است.

میانبر

به واژگان مطلق‌گرا توجه ویژه داشته باشید. معمولاً این واژگان باعث رد شدن گزینه‌ها در سؤالات استنباطی می‌شوند.

no – any – never – at all – just – only – nobody – anybody – all, the most,...

در ارتباط با گزینه‌ی ۲، سرنخه‌هایی در متن در خط‌های ۱۰، ۱۱ و ۱۲ وجود دارد که مبنی بر کاربردهای متنوع ماهواره‌های مصنوعی است. مانند:

- weather satellites ماهواره‌های هواشناسی
- spy satellites ماهواره‌های جاسوسی
- Earth observation satellites ماهواره‌های نظارت بر زمین

در ارتباط با گزینه‌ی ۳، در متن هیچ اشاره‌ای بر اهمیت اطلاعات خصوصاً ارسال اطلاعات درباره‌ی سایر سیارات نشده است. ضمناً واژه‌ی مطلق‌گرای the most نیز می‌تواند ما را در رد گزینه یاری نماید.

و در آخر علت رد گزینه‌ی ۴ می‌تواند واژه‌ی countless (بی‌شمار) در خط ۹ باشد.

اقمار طبیعی بی‌شماری در جهان هستی وجود دارد.
There are countless natural satellites in the universe.

نوع هشتم: سؤالات منظور نویسنده

رسیدیم به گودزیلای سؤالات! نگران نباشید با تکنیک‌های ما موشی بیش نیست.

این‌گونه از سؤالات از شما می‌پرستد که چرا نویسنده‌ی متن، عبارت یا جمله‌ی خاصی را به کار برده است. منظور نویسنده می‌تواند شامل آوردن دلیل یا شواهد، مثال، انتقاد و غیره باشد.

سه نوع سؤال منظور نویسنده وجود دارد:

۱. منظور نویسنده از یک جمله یا عبارت
۲. منظور نویسنده از یک پاراگراف خاص
۳. منظور نویسنده از کل متن



شکل سؤالات منظور نویسنده

- ▶ Why does the author discuss _____ ?
- ▶ Why does the author mention _____ in paragraph _____ .
- ▶ Why does the author compare _____ to _____ .
- ▶ The author mentions _____ in order to _____ .
- ▶ The author discusses _____ in paragraph _____ in order to _____ .
- ▶ Why does the author use the word _____ in discussing _____ .
- ▶ The passage is mainly concerned with _____


مهم‌ترین نحوه‌ی تشخیص و تمیز آن‌ها از سؤالات استنباطی رجوع به گزینه‌های پاسخ است که دارای واژگان خاصی هستند. در زیر با اکثر آن‌ها آشنا می‌شوید.

point out	اشاره کردن	describe	توصیف کردن	advise	توصیه کردن
predict	پیش‌بینی کردن	emphasize	تاکید کردن	argue	بحث کردن
prove	ثابت کردن	explain	توضیح دادن	caution	هشدار دادن
show	نشان دادن	give examples	مثال آوردن	classify	طبقه‌بندی کردن
summarize	خلاصه کردن	identify	مشخص کردن	compare	مقایسه کردن
support	حمایت کردن	illustrate	نشان دادن	contrast	مقایسه کردن
trace	پی بردن به	introduce	معرفی کردن	criticize	انتقاد کردن
warn	هشدار دادن	persuade	تشویق کردن	define	معنی کردن

نحوه‌ی پاسخ‌دادن به سؤالات منظور نویسنده

جمله یا عبارت داده‌شده در صورت سؤال را در متن نیز پیدا کنید.	۱. نگاه اجمالی به متن بیندازید. (scan)
عبارات یا جملات قبل و بعد از جمله‌ی خواسته‌شده در صورت سؤال را در متن پیدا کنید و بخوانید.	۲. جملات پیرامون آن را بخوانید.
به کلمات ربط یا واژگان ارتباط‌دهنده‌ای مانند: for instance, for this reason, what is more, however, moreover, ... که بیانگر منظور یا هدفی در متن هستند، دقت کنید.	۳. به کلمات ربط یا واژگان ارتباط‌دهنده توجه کنید.
در صورت امکان گزینه‌های غلط را حذف کنید.	۴. از روش حذف گزینه استفاده کنید.
سعی کنید بفهمید که هدف نویسنده از آوردن آن اطلاعات در متن چیست.	۵. منظور نویسنده را خودتان تا حدودی استخراج کنید.
گزینه‌ای که بیشترین قرابت معنایی با استنباط شما دارد را به عنوان پاسخ صحیح انتخاب کنید.	۶. گزینه‌ی صحیح را انتخاب کنید.




 The rain in Cherrapunji usually falls at night. During the day it is often warm and sunny, but remember to pack an umbrella. The weather can always change. (سراسری هنر ۹۱)

 In the last sentence of the passage, the writer seems to be _____ .


- 1) advertising something
- 2) giving a sort of warning
- 3) referring to a negative feature of Cherrapunji
- 4) introducing another interesting thing about Cherrapunji


1. نگاه اجمالی به متن بیندازید. (scan)	1. نگاه اجمالی به متن بیندازید. (scan)
2. جملات پیرامون آن را بخوانید.	2. جملات پیرامون آن را بخوانید.
3. به کلمات ربط یا واژگان ارتباط‌دهنده توجه کنید.	3. به کلمه‌ی ربط but دقت کنید. در این‌جا یک شرایط عادی داریم که ناگهان استثنایی بر آن حادث می‌شود و سرنخی برای رسیدن به پاسخ به دست می‌آوریم.
4. از روش حذف گزینه استفاده کنید.	4. واژه یا عبارتی مبنی بر تبلیغات (advertising) وجود ندارد. پس گزینه‌ی ۱ مردود است. همچنین متن به معرفی چیز جذابی نپرداخته است. بنابراین گزینه‌ی ۴ نیز رد می‌شود. پس از این مرحله گزینه‌ی ۲ و ۳ پرافتخار به مرحله‌ی بعد راه پیدا می‌کنند.
5. منظور نویسنده را استخراج کنید.	5. در این جمله از ساختار امر مستقیم استفاده شده است که در آن سرنخ جمله، واژه‌ی remember (یادتان باشد) است که به ما درباره‌ی هوای متغیر چراپونجی هشدار می‌دهد.
6. گزینه‌ی صحیح را انتخاب کنید.	6. با توجه به واژه‌ی remember، نویسنده قصد «هشدار دادن» را به ما دارد که با توجه به آن نویسنده نمی‌خواهد به نکته‌ای منفی درباره‌ی آب‌وهوای آن‌جا اشاره کند. بنابراین گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است.

 باران در چراپونجی معمولاً در هنگام شب می‌بارد. در طول روز معمولاً هوا گرم و آفتابی است. ولی یادتان باشد که یک چتر همراه خود داشته باشید. هوا ممکن است همیشه تغییر کند.

در آخرین جمله‌ی پاراگراف، نویسنده به نظر می‌رسد _____ .

- ۱) چیزی را تبلیغ می‌کند
- ۲) نوعی هشدار می‌دهد
- ۳) به یک ویژگی منفی چراپونجی اشاره می‌کند
- ۴) چیز جالب دیگری را درباره‌ی چراپونجی معرفی می‌کند

 Weather forecasting is the use of science and technology to predict the state of the atmosphere for a given location. Human beings have tried to predict the weather informally for thousands of years, and formally since the nineteenth century. Weather forecasts are made by collecting quantitative data about the current state of the atmosphere on a given place and using scientific understanding of atmospheric processes to predict how the atmosphere will be on that place. (سراسری ریاضی ۹۳)

 The passage is mainly concerned with _____ .

- 1) the reasons why humans are attracted to weather forecasting
- 2) the circumstances under which weathermen make mistakes
- 3) a definition of weather forecasting and the way it is done
- 4) the early methods used to predict weather conditions



پیش‌بینی هواشناسی یکی از کاربردهای علم و فناوری برای پیش‌بینی وضعیت جوی در مکانی خاص است. انسان‌ها برای هزاران سال تلاش کرده‌اند به طور غیررسمی وضعیت هوا را پیش‌بینی کنند و به طور رسمی این تلاش از قرن نوزدهم آغاز گردید. پیش‌بینی‌های هواشناسی از طریق جمع‌آوری اطلاعات کمی درباره‌ی وضعیت کنونی جو در مکانی خاص و با به‌کارگیری درک علمی از فرایندهای جوی برای پیش‌بینی حالت جوی در آن مکان انجام می‌شود.
 متن عمدتاً می‌پردازد به _____ .

- (۱) دلیلی که بشر را به پیش‌بینی آب‌وهوا سوق می‌دهد
- (۲) شرایطی که تحت آن هواشناسان دچار لغزش می‌شوند
- (۳) تعریف پیش‌بینی هوا و روشی که آن انجام می‌شود
- (۴) روش‌های ابتدایی که برای پیش‌بینی شرایط جوی استفاده می‌شد

به واژه‌ی is بعد از weather forecasting دقت کنید؛ این واژه، تعریفی از عبارت weather forecasting را به وسیله‌ی فعل to be - که از نشانه‌های «معنی کردن» عبارت یا واژه‌ای است، به ما می‌دهد.

اما نوعی سؤال است که از زیرشاخه‌های «منظور نویسنده» محسوب می‌شود و آن هم سؤالات «ساختار متن» است که خود دارای چندین گونه است.

۱. Narration (روایت کردن متن) یا Order of Happening (ترتیب وقوع رخدادها):

هنگامی که رویدادها و وقایعی براساس زمان وقوع آن‌ها در متنی گفته شود، «روایت» صورت پذیرفته است. برای پی‌بردن به این گونه از ساختارها، وجود قیدها و عبارات زیر می‌تواند کارگشا باشد:

latter	دومی، بعدی	now	هم‌اکنون
prior to	قبل از	nowadays	امروزه
formerly	سابقاً	when, while, as	وقتی که، هنگامی که
previously	قبلاً	before: قبل از این که	پس از این که: after
at the turn of	(سال، دهه، قرن: در آستانه‌ی ...)	in	(سال)
first: در ابتدا	second: در ثانی	since	از زمانی که
at last, finally; in conclusion	سرانجام؛ در نتیجه	later	بعداً
at the same time	همان موقع	earlier	قبلاً
next, then, subsequently	سپس	former	پیشین

۲. Cause and Effect (علت و معلولی):

رابطه‌ی علت و معلولی یکی از پرکاربردترین سبک‌های نوشتن پاراگراف‌ها است. در این صورت عمل دوم نتیجه‌ی انجام عمل اول است. از نشانه‌های آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

consequently:	در نتیجه
result:	نتیجه، منجر شدن به
as a result:	در نتیجه
cause:	باعث شدن
therefore:	بنابراین
because of:	به خاطر



۳. Comparison and Contrast (مقایسه و تضاد):

تکنیکی است که به بیان وجوه تشابه و تمایز می‌پردازد. به نشانه‌های آن در جدول زیر توجه کنید:

Contrast		Comparison	
different from:	متفاوت با	unlike:	برخلاف
otherwise:	وگرنه	however:	با وجود این
in contrast:	برخلاف	while:	درحالی‌که
nevertheless:	با این وجود	still:	هنوز، با وجود این
in opposition:	برخلاف	although:	اگرچه
on the contrary:	برخلاف	dissimilar:	متفاوت
		on the other hand:	از طرفی دیگر
		be similar to:	شبییه‌بودن به
		resemble:	شبییه‌بودن به
		to have in common:	نقطه‌ی مشترک داشتن
		the same as:	شبییه به
		in the same way:	به همان ترتیب
		like:	مانند

۴. Classification (دسته‌بندی کردن):

برخی اوقات نویسنده قصد دارد به صورت محدودتری به یک موضوع بپردازد یا برای آن تقسیم‌بندی قائل شود. دسته‌بندی کردن می‌تواند براساس مواردی همچون تشابهات، تمايزات، اندازه، رنگ و سایر ویژگی‌ها باشد. نشانه‌های زیر ممکن است در این‌گونه متن‌ها مورد استفاده قرار گیرد:

first:	اولین
second:	دومین
third:	سومین
classified:	دسته‌بندی شده
divided:	تقسیم شده
categorized:	طبقه‌بندی شده
grouped:	گروه‌بندی شده
type, kind:	نوع

۵. Process (فرایند):

یک سری فعالیت منسجم که منجر به هدفی می‌گردد، فرایند نامیده می‌شود. مانند فرایند تهیه‌ی غذای خانگی. این فرایند با استفاده از واژگان یا عبارات زیر بیان می‌شود:

first, second, third

first, then

the first step, the second step: گام اول، گام دوم



روش برخورد با این کتاب

با متن‌های این کتاب به دو روش برخورد کنید.

۱- سبک کنکوری، خودتان را سر جلسه‌ی آزمون فرض کنید و با استفاده از تکنیک‌ها و مهارت‌هایی که در این درس‌نامه برایتان آورده شده است، و با توجه به زمان‌بندی هر متن، به سؤالات هر متن پاسخ دهید. اول صورت سؤال، بعد انتخاب سؤالات آسان و بقیه‌ی داستان...

۲- سبک یک مترجم و سوانسی و دقیق: پس از این‌که به سؤالات درک مطلب به سبک کنکوری و در زمان‌بندی درج‌شده پاسخ دادید، حال با استفاده از دیکشنری یا واژه‌نامه‌ی گوشه‌ی هر متن، شروع به ترجمه‌ی دقیق متن، سؤالات و گزینه‌های آن کنید و بکشید به همه جای متن مسلط شوید. واژگان آن را حفظ کنید و سر از کار طراح سؤال درآورید. به فکر زمان هم نباشید چون در سبک دوم وقتتان آزاد است.

پیش‌نیاز این کتاب:

- ۱- به ازای هر ۱۰ متن، شما باید به دو درس از کتاب درسی سال چهارم و دو درس از کتاب درسی سال سوم مسلط باشید.
- ۲- آهسته و پیوسته متن بخوانید و آن را به طور منظم در برنامه‌ی روزانه یا هفتگی خود قرار دهید. مثلاً هفته‌ای ۳ تا ۷ متن.
- ۳- بهتر است متن و کلوز را به طور موازی پیش ببرید.
- ۴- پس از خواندن ۱۰ متن، حتماً برگردید و دوباره متن‌ها را دوره کنید.
- ۵- شکبیا باشید!

⊗ The day after Thanksgiving is the start of the holiday shopping season. Thanksgiving is always on a Thursday, so the day after is a Friday. This day has come to be known as Black Friday. It has been the busiest shopping day of the year since 2005.

Most stores offer great deals on Black Friday. They open their doors in the early hours of the morning. They try to attract shoppers with big discounts. Some items like TVs are much cheaper than usual. Stores may even lose money on these items. They hope that shoppers will buy gifts for other people while they are in the store.

Black Friday is a great time to get good deals. The problem is that there are not enough low-priced items to go around. Each store may only have a few. These items are in high demand. People stand in long lines to get such great deals. They may line up hours before a store opens. They may be hoping to get a low price on a TV or laptop, but not everyone who wants one will get one. Some people leave disappointed.

The situation can be tense. Some Black Friday events have been violent. Large, eager crowds have trampled workers. Fights have broken out over toys or people cutting in line. People have shot one another over parking spots. But most Black Friday events are safe and fun. Still, if you plan on going, expect large crowds and a bit of pushing.

So where does the name "Black Friday" come from? It was first used in Philadelphia in the 1950s. The police called this day Black Friday because of the heavy traffic it drew. In the 1960s, stores tried to rename the day "Big Friday" It did not stick. The name "Black Friday" continued to spread across the country. It seems that it is here to stay.

thanksgiving:

روز شکرگزاری

deal: پیشنهاد (فروش)

discount: تخفیف

demand: تقاضا

tense: وخیم

violent: خشن

crowd: جمعیت

trample: زیر دست و پا ماندن

break out: شروع شدن

cut in line:

(بدون نوبت) وارد صف شدن

shot: تیراندازی کردن

spread: پخش کردن

⌚ 1. According to the text, why do stores set prices so low on some items that they lose money?

- 1) They want people to enjoy the holidays.
- 2) They hope people will buy other gifts while they are in the store.
- 3) They are in a giving mood because the holiday season is just beginning.
- 4) They are trying to get rid of old items from last year to make room for new items.

⌚ 2. Which is NOT true about Black Friday?

- 1) Black Friday is always the day after Thanksgiving.
- 2) Black Friday is the busiest shopping day of the year.
- 3) Black Friday is a national holiday.
- 4) Black Friday is the start of the holiday shopping season.

⌚ 3. Where does the name Black Friday come from?

- 1) The police called this day Black Friday because there is a lot of traffic.
- 2) The stores called this day Black Friday because it is a serious shopping day.
- 3) The police called this day Black Friday to remember the victims of violence.
- 4) The stores called this day Black Friday because they make a lot of money.

⌚ 4. Which was NOT mentioned as one of the negative points of Black Friday?

- 1) Stores run out of high demand items quickly.
- 2) Nobody really saves any money on Black Friday.
- 3) There are large crowds and lots of pushing.
- 4) Sometimes violence occurs at Black Friday events.

Climate experts of three meteorological agencies believe that during the last couple of years temperatures have been rising faster than any other point in recent human history, which is, according to them, mainly due to human activities such as the burning of fossil fuels, in general, and petroleum derivatives, in particular. Last month, the temperatures across the globe were higher than any previous month since temperature record-keeping started back in 1880.

NASA, using a set of very accurate instruments to monitor and measure any changes in the temperature of the Earth, has recently released the global temperature data that suggest we have just had the hottest summer ever, scorching 0.71°C above the long-term average. This year is possibly on track to set a new all-time record of average surface temperatures based on both the released data and other projections.

While record heat was brought to the Northwest during the summer, some parts of Midwest were swamped with near-record rainfall. Oregon and Washington were two states where the most extreme temperatures compared to average were registered; cities such as Seattle, Portland, and Eugene endured the hottest weather since 1895. Also all of the western states saw above-average warmth, with California, Nevada, and Idaho ranking among their top 10 hottest on record.

Some of the Southeast region states including Florida and South Carolina also saw near-record warmth, while Louisiana and North Carolina ranked in the top ten. In addition, six states recorded their wettest summer. California was one of the four western states that saw above-average precipitation this summer. As California is struggling with a serious water shortage, unfortunately, this is little help to the ongoing drought given that summer is the dry season there. Washington also had one of its driest summers in history which is in fact one of the main reasons contributing to the widespread wildfire in this state.

expert:	کارشناس
meteorological:	هواشناسی
due to:	به خاطر
petroleum:	نفت
derivations:	مشتقات
accurate:	دقیق
monitor:	نظارت کردن
scorching:	سوزان
be swamped with:	غرق در... بودن
register:	ثبت کردن
endure:	تحمل کردن
precipitation:	میزان نزولات
shortage:	کمبود
ongoing:	مداوم
drought:	خشکسالی
contribute to:	کمک کردن به
wildfire:	آتش سوزی

- Based on the passage, it can be understood that temperature has been recorded _____.
 - since early 18th century
 - for the last couple of years
 - since 1895
 - since late 19th century
- The pronoun "them" in paragraph 1, line 3, refers to _____.
 - activities
 - experts
 - fuels
 - temperatures
- Which statement is TRUE according to the information provided by the passage?
 - NASA measures the instruments in a scorching temperature
 - We have had a summer with long-term average temperature
 - This summer has been hotter than any summer in the history
 - 0.71 degrees centigrade is a scorching temperature
- According to paragraph 3, which weather pattern has been happening?
 - Northwest hot – Midwest hot – All west cold
 - Northwest cool – all Midwest rainy – Nevada mild
 - California hot – Northwest rainy – Idaho cold
 - Some Midwest rainy – Northwest hot – all west warm



26) Dubsmash is a video messaging app for Android and Apple phones that lets users add soundtracks to videos recorded on their phones – often matching a clip of themselves 1 a song or film scene with audio from the original.

Users can upload sounds themselves or select from a list of audio clips uploaded by others. These 2 excerpts from popular TV shows or movies including Blackadder, Austin Powers, South Park, Superbad, and Saturday Night Live. There are also clips from 3 chart hits, musicals, and even operas.

After selecting an audio clip, users record their own video to play with the sound 4 have chosen and can 5 share the clip they have created via Whatsapp, Facebook, Instagram or in a text message.

app:	برنامه
soundtrack:	موسیقی متن
clip:	کلیپ
upload:	بارگذاری کردن
excerpt:	قطعه، منتخب
chart hits:	جدول محبوب‌ترین فیلم‌ها یا آهنگ‌ها

- | | | | |
|------------------------|--------------|------------|-------------|
| 1. 1) which performing | 2) perform | | |
| 3) performing | 4) performed | | |
| 2. 1) include | 2) organize | 3) consist | 4) increase |
| 3. 1) implicit | 2) popular | 3) likely | 4) primary |
| 4. 1) they | 2) which | 3) them | 4) who |
| 5. 1) so | 2) thus | 3) though | 4) then |



Close 44 *

تعداد واژگان: ۱۲۶ وقت پیشنهادی: ۴ دقیقه

⊙ Clash of Clans is a popular iOS/Android game in which players build a community, train troops, and attack other players to earn gold and elixir, and Dark Elixir. 1 can be used to build defenses that 2 the player from other players attacks, and to train and upgrade troops.

Many people around the world play the game. George Yao, a top-ranked player, 3 six months playing Clash of Clans on five iPads - all at the same time! He would 4 take his iPads into the shower with him. He says, "There's a three-minute timer on the raid. You get 30 seconds to look at an enemy's 5, and then as soon as you start dropping troops, you have three minutes to destroy the enemy's defenses."

community:	گروه، اجتماع
troops:	سربازان
elixir:	اکسیر
defenses:	استحکامات
top-ranked:	برتر
shower:	حمام
raid:	حمله
drop:	پایاده کردن

- | | | | |
|-------------|-------------|---------------|------------|
| 1. 1) which | 2) that | 3) whom | 4) whose |
| 2. 1) store | 2) organize | 3) reflect | 4) protect |
| 3. 1) lived | 2) spent | 3) recognized | 4) located |
| 4. 1) but | 2) as | 3) even | 4) so |
| 5. 1) base | 2) source | 3) layer | 4) trap |



روز پس از «روز شکرگزاری» شروع فصل خرید برای تعطیلات است. «روز شکرگزاری» همیشه پنجشنبه‌هاست، بنابراین روز بعدش جمعه می‌شود. این روز به «جمعه سیاه» معروف شده است. از سال ۲۰۰۵ تا کنون، این روز شلوغ‌ترین روز خرید بوده است.

بیشتر فروشگاه‌ها در روز «جمعه سیاه» پیشنهادهای بسیار خوبی برای اجناس می‌دهند. آن‌ها فروشگاه‌هایشان را در نخستین ساعات روز باز می‌کنند و با دادن تخفیف‌های زیاد، سعی در جذب مشتری می‌کنند. برخی از اجناس مانند تلویزیون بسیار ارزان‌تر از همیشه است. فروشگاه‌ها حتی ممکن است از فروش این اجناس متضرر نیز بشوند. آن‌ها امیدوارند وقتی که مردم در فروشگاه هستند، برای سایرین هدیه بخرند.

«جمعه سیاه» وقت بسیار خوبی است که اجناس با قیمت ارزان خریداری شوند. مشکل آن‌جاست که به تعداد کافی اجناس ارزان‌قیمت برای همه وجود ندارد. هر مغازه ممکن است فقط تعداد کمی (جنس ارزان‌قیمت) داشته باشد. این اجناس تقاضای بالایی دارند. مردم برای خرید کالاهای ارزان‌قیمت در صف‌های طولانی می‌ایستند. آن‌ها ممکن است ساعت‌ها در صف باشند تا مغازه‌ها باز شوند. آن‌ها ممکن است به امید خرید یک تلویزیون یا لپ‌تاپ ارزان‌قیمت باشند، ولی

برای پاسخ‌دادن به سوالات جزئی، ابتدا واژگان کلیدی صورت سؤال را مشخص کنید و سپس دنبال همان واژگان یا مترادفشان در متن بگردید. پاسخ حوالی همان واژگان کلیدی در متن است.

الزاماً هر کسی که یکی از این اجناس را می‌خواهد، نمی‌تواند آن را بخرد و بعضی از مردم با ناامیدی (فروشگاه را) ترک می‌کنند. اوضاع می‌تواند از این هم وخیم‌تر شود. برخی از رویدادهای «جمعه سیاه» خشونت‌بار بوده‌اند. کارگران به زیر دست‌وپای جمعیت زیاد و مشتاق افتاده‌اند. دعوایی بر سر اسباب‌بازی‌ها یا ورود بدون نوبت برخی به داخل صف اتفاق افتاده است. مردم بر سر جای پارک به یکدیگر تیراندازی کرده‌اند. ولی اکثر «جمعه‌های سیاه» با امنیت و باخوشی برگزار شده‌اند. اما هنوز اگر قصد رفتن به آن‌جا را دارید، انتظار شلوغی داشته باشید و منتظر باشید که کلی (در صفت) هل‌تان دهند.

خب، «جمعه سیاه» از کجا آمده است؟ این عبارت نخستین‌بار در دهه ۱۹۵۰، در شهر فیلادلفیا مورد استفاده قرار گرفت. پلیس به خاطر ترافیک سنگینی که در این روز ایجاد شده بود، آن را «جمعه سیاه» نامید. در دهه ۱۹۶۰، فروشگاه‌ها سعی کردند نام آن را به «جمعه بزرگ» تغییر دهند ولی این نام ماندگار نشد. نام «جمعه سیاه» در سرتاسر کشور (آمریکا) پخش شد و به نظر می‌رسد که این نام فعلاً ماندگار است.

۱- براساس متن، چرا فروشگاه‌ها قیمت برخی از اجناس خود را آنقدر پایین اعلام می‌کنند که متضرر می‌شوند؟

● به قسمت رنگی‌شده پاراگراف ۲ نگاه کنید. مطمئن هستیم که پاسخ را یافتید!

- (۱) آن‌ها می‌خواهند که مردم از تعطیلاتشان لذت ببرند.
- (۲) آن‌ها امیدوارند که مردم وقتی در فروشگاه هستند، هدایای دیگری بخرند.
- (۳) آن‌ها در جو بخشندگی هستند زیرا فصل تعطیلات تازه در حال شروع شدن است.
- (۴) آن‌ها می‌کوشند که از شر اجناس قدیمی سال گذشته‌ی خود خلاص شده و برای اجناس جدید جا باز کنند.

۲- کدامیک از موارد زیر درباره‌ی «جمعه سیاه» درست نیست؟

● به‌هزگزینه‌ی ۳، تمامی گزینه‌های دیگر در پاراگراف ۱ به همراه بیان شده‌اند.

- (۱) جمعه سیاه همواره روز پس از «روز شکرگزاری» است.
- (۲) جمعه سیاه شلوغ‌ترین روز خرید سال است.
- (۳) جمعه سیاه یک تعطیلی ملی است.
- (۴) جمعه سیاه شروع فصل خرید برای تعطیلات است.

۳- نام جمعه سیاه از کجا می‌آید؟

● قسمت رنگی آفرین پاراگراف ۱ را دریابید!

- (۱) پلیس این روز را جمعه سیاه نامید زیرا ترافیک بسیار زیادی ایجاد می‌کند.
- (۲) فروشگاه‌ها این روز را جمعه سیاه نامیدند زیرا یک روز خرید مهم است.
- (۳) پلیس آن را جمعه سیاه نامید تا یادآور قربانیان خشونت باشد.
- (۴) فروشگاه‌ها این روز را جمعه سیاه نامیدند زیرا پول زیادی عایدشان می‌شود.

۴- کدامیک از نکات منفی زیر درباره‌ی جمعه سیاه عنوان نشده است؟

● پاراگراف ۳ به مشکل کمبود اجناس که در گزینه‌ی ۱ آمده است می‌پردازد. در پاراگراف ۳ به شلوغی بیش از حد و خشونت‌هایی که برای برداشتن اجناس موردنظر یا حتی های پارک رخ می‌دهد می‌پردازد که گزینه‌های ۳ و ۴ را شامل می‌شود. بنابراین تنها گزینه‌ای که درباره‌اش حرفی زده نشده گزینه‌ی ۲ است که پاسخ‌ها نیز هست.

- (۱) فروشگاه‌ها اجناسی را که بسیار مورد نیاز است، سریعاً تمام می‌کنند.
- (۲) هیچ‌کس پولی در جمعه سیاه صرفه‌جویی نمی‌کند.
- (۳) در این روز ازدحام و هل‌دادن بیش از حد وجود دارد.
- (۴) گاهی اوقات در رویدادهای جمعه سیاه خشونت رخ می‌دهد.



نوع و سطح دشواری سوالات:

- ۱- استنباطی: متوسط
- ۲- ارجاعی: ساده
- ۳- جزئی: سخت
- ۴- جزئی: سخت

روش پاسخگویی به سوالات عنوان متن:

- ۱- جمله‌ی اول پاراگراف ۱ و پاراگراف ۲ را بخوانید.
- ۲- گزینه‌ی را انتخاب کنید که این دو جمله درباره‌اش حرف زده باشند و تمام بهترین سبک پاسخگویی.
- روش ردگزینه‌ای است. هر گزینه‌ی که این دو جمله با هم درباره‌اش حرف نزنند، غلط است.
- در متن‌های تک‌پاراگرافی، خواندن جمله‌ی اول و جمله‌ی آخر متن کفایت می‌کند.

کارشناسان اقلیمی سه آژانس هواشناسی بر این باور هستند که در طی چند سال گذشته، دمای هوا سریع‌تر از هر زمانی در طول تاریخ اخیر حیات بشر رو به افزایش بوده است، که طبق دیدگاه آن‌ها، عمدتاً به دلیل فعالیت‌های انسانی از قبیل سوزاندن سوخت‌های فسیلی، به طور عام و مشتقات نفتی، به طور خاص می‌باشد. ماه گذشته، دمای هوا در سراسر جهان بالاتر از هم‌های قبلی از خود، از زمان آغاز ثبت دما در سال ۱۸۸۰ بود.

ناسا، با استفاده از یک سری تجهیزات بسیار دقیق برای نظارت و سنجش هرگونه تغییر در دمای زمین، اخیراً داده‌های دمای جهان را منتشر کرده که نشان می‌دهد ما اخیراً گرم‌ترین تابستان تاریخ را گذرانده‌ایم که این دمای سوزان ۷۱/۰ درجه‌ی سانتی‌گراد بالاتر از میانگینی است که در بلندمدت داشته‌ایم. هم براساس داده‌های منتشرشده و هم سایر پیش‌بینی‌ها، احتمالاً امسال به سمت رکورد تاریخی جدیدی از نظر میانگین دمای سطح زمین پیش خواهد رفت. در حالی که شمال غربی در طول تابستان با بالاترین درجه‌ی گرما سپری شد، برخی از قسمت‌های غرب میانه زیر سیلی از بارش‌هایی بودند که نزدیک به رکورد جدید بود. آرگن و واشنگتن دو ایالتی بودند که در آن‌ها شدیدترین دما در مقایسه با میانگین دما ثبت شدند؛ شهرهایی نظیر سیاتل، پورتلند و یوجین گرم‌ترین هوا را از سال ۱۸۹۵ به بعد تحمل کردند. هم‌چنین هم‌هی ایالت‌های غربی شاهد گرمای بالای میانگین بودند که کالیفرنیا، نوادا و آیداهو در بین گرم‌ترین ده ایالت اول ثبت شده بودند.

برخی از ایالت‌های جنوب شرق از جمله فلوریدا و کارولینای جنوبی هم شاهد گرمای نزدیک به حد نصاب جدید بودند، در حالی که لوئیزیانا و کارولینای شمالی در بین ده ایالت اول بودند. علاوه بر این، شش ایالت هم مرطوب‌ترین تابستان خود را ثبت کردند. کالیفرنیا یکی از چهار ایالت غربی بود که شاهد نزولات جوی بالاتر از میانگین طی این تابستان بود. از آن‌جا که کالیفرنیا با کمبود جدی آب دست و پنجه نرم می‌کند، متأسفانه با در نظر گرفتن این نکته که تابستان، فصلی خشک در آن‌جاست، این امر کمک ناچیزی برای خشک‌سالی مداوم است. واشنگتن نیز یکی از خشک‌ترین تابستان‌های خود را در تاریخ داشت که در واقع یکی از دلایل اصلی مؤثر در آتش‌سوزی‌های گسترده‌ی جنگل‌ها در این ایالت است.

۱- براساس متن، می‌توان چنین استنباط کرد که دمای هوا _____ ثبت شده است.

• در آفرین هملی پاراگراف ۱، به سال ۱۸۸۰ اشاره شده است. یعنی اواخر قرن نوزده (۱۸۹۹-۱۸۰۰) را قرن ۱۹ می‌گویند. توفه کنید که در گزینه‌ی ۱، طراح به عمر قرن ۱۸ را برای گمراه‌کردن شما آورده است. همواره برای پیدا کردن قرن، باید دو عدد سمت چپ را به علاوه‌ی ۱۹- + ۱ آورده است.

- ۱) از اوایل قرن هجدهم
- ۲) طی چند سال اخیر
- ۳) از سال ۱۸۹۵
- ۴) از اواخر قرن نوزدهم

• هملی متن با تنها گزینه‌ای که معنای منطقی می‌دهد، گزینه‌ی ۲ (کارشناسان) است. کافی است تک‌تک گزینه‌ها را جای ضعیف بگذارید تا ببینید با کدام یک کارتان راه می‌افتد.

۲- ضمیر "them" در پاراگراف ۱، خط ۳، اشاره می‌کند به _____.

- ۱) فعالیت‌ها
- ۲) کارشناسان
- ۳) سوخت‌ها
- ۴) دماها

۳- کدام جمله براساس اطلاعات ارائه‌شده در متن صحیح است؟

- ۱) ناسا در دمای سوزان ابزارها را می‌سنجد.
- ۲) ما تابستانی با دمای میانگینی که در بلندمدت داشته‌ایم پشت سر گذاشته‌ایم.
- ۳) این تابستان از هر تابستان دیگری در طول تاریخ گرم‌تر بوده است.
- ۴) هفتاد و یک صدم درجه‌ی سانتی‌گراد دمای سوزان به حساب می‌آید.

• براساس اوایل پاراگراف ۲، ناسا از تجهیزات برای اندازه‌گیری دما استفاده می‌کند نه برای سنجش ابزارها آن هم در دمای سوزان! (دلیل ردگزینه‌ی ۱). براساس قسمت رنگی‌شده‌ی پاراگراف ۲، این تابستان گرم‌ترین تابستان تاریخ بوده است نه این‌که معادل دمای میانگین گذشته بوده باشد. پس گزینه‌ی ۲ هم غلط است. ۷۱- دره‌ی سانتی‌گراد دمای سوزانی نیست بلکه طبق همان قسمت رنگی، این مقدار دما به علاوه‌ی میانگین بلندمدت دما آن را تبدیل به دمای سوزان می‌کند. پس گزینه‌ی ۳ غلط است و طبق متن، گزینه‌ی ۳ صحیح است.

۴- براساس پاراگراف ۳، کدام الگوی آب‌وهوایی رخ داده است؟

- ۱) شمال غربی، داغ - غرب میانه، داغ - هم‌هی غرب، سرد
- ۲) شمال غربی، خنک - هم‌هی غرب میانه، بارانی - نوادا، ملایم
- ۳) کالیفرنیا، داغ - شمال غربی، بارانی - آیداهو، سرد
- ۴) بخشی از غرب میانه، بارانی - شمال غربی، داغ - هم‌هی غرب، گرم

• اگر به قسمت‌های رنگی‌شده‌ی پاراگراف ۳ دقت کنید، الگوهایی که در گزینه‌ی ۳ وجود دارند را می‌بینید و گزینه‌های دیگر با توجه به اطلاعات این پاراگراف غلط هستند.



📌 داباسمش برنامه‌ی پیام‌رسان تصویری است برای تلفن‌های همراه (با سیستم عامل) اندروید و گوشی‌های ابل که به کاربران این اجازه را می‌دهد که موسیقی متن را به ویدیوهای ضبط‌شده بر روی گوشی‌شان اضافه کنند - که اغلب کلیپی (فیلم کوتاهی) از خودشان در حال اجرای یک آهنگ یا صحنه‌ای از یک فیلم که با صدای اصلی آن منطبق است، می‌باشد. کاربران می‌توانند صداها را خودشان بارگذاری کنند یا از لیستی از صداها، کوتاه بارگذاری شده به وسیله دیگران، انتخاب کنند. این موارد شامل گزیده‌ای از برنامه‌های محبوب تلویزیونی یا فیلم‌هایی مانند بلاک ادر، آستین پاورز، سوث پارک، سوپر بد و ستردی نایت لایو می‌شود. هم‌چنین فیلم‌های کوتاهی از جدول فیلم‌های پرفروش، فیلم‌های موزیکال یا حتی اپراها را نیز شامل می‌شود.

پس از انتخاب یک قطعه‌ی صدا، کاربران از خودشان فیلم می‌گیرند تا با صدایی که آن‌ها انتخاب کرده‌اند نمایش داده شود و سپس فیلم کوتاهی را که ساخته‌اند از طریق واتس‌آپ، فیس‌بوک، اینستاگرام یا پیامک با دیگران به اشتراک می‌گذارند.

- ۱- در اصل **who perform** بوده که با حرف شمیر موصولی، فعل تبریل به **ing** شده است. پس گزینه‌ی ۳ صحیح است.
- ۲- (۱) شامل شدن (۲) سازمان دادن (۳) تشکیل شدن (از) (۴) افزایش دادن
 در مورد گزینه‌ی ۳ حرف اضافه‌ی **of** باید پس از آن وجود داشته باشد. (consist of)
- ۳- (۱) تلویحی (۲) محبوب، پرفروش (۳) محتمل (۴) اولیه، ابتدایی
- ۴- در جای خالی، فاعل نیاز است. بنابراین از شمیر فاعلی استفاده شده است. پس گزینه‌ی ۱ صحیح است.
- ۵- (۱) بنابراین (۲) بنابراین (۳) اگر چه (۴) سپس

بیان هدف و منظور:

برای بیان هدف و منظور. از دو الگوی زیر استفاده می‌کنیم. همه‌ی این‌ها به معنی «تا این‌که» به منظور این‌که. برای این‌که، هستند.

so that } فاعل +
 in order that }
 in order to } شکل
 so as to } سازه‌ی فعل +
 to }

He wore dark glasses **so that / in order that** nobody would recognize him.

او عینک آفتابی زد تا این‌که کسی او را نشناسد. (ارتباط زمانی فعل‌های قبل و بعد از این کلمات ربط باید منطقی باشد.)

I left a message **so that / in order that** I could tell him the fact.

من یک پیام گذاشتم تا این‌که بتوانم به او حقیقت را بگویم.

I studied hard **in order to / so as to / to** understand the math problems.

سخت درس خواندم تا این‌که مسائل ریاضی را بهتر بشهمم.

I studied hard **so as to** fail in the exam.

من سخت درس خواندم تا این‌که در امتحان مردود بشوم. (برای منفی کردن. قبل از **to** از **not** استفاده می‌کنیم.)



Close 44

😊 Clash of Clans (جنگ قبیله‌ها) بازی محبوبی برای (دارندگان) سیستم‌عامل‌های اندروید و iOS می‌باشد که در آن بازیکنان گروه می‌سازند، سربازانشان را آموزش می‌دهند و به سایر بازیکنان حمله می‌کنند تا طلا و اکسیر و اکسیر سیاه به دست آورند که برای ساخت استحکاماتی که بازیکن را در مقابل حملات سایر بازیکنان محافظت می‌کند مورد استفاده قرار می‌گیرد و با استفاده از آن سربازان خود را نیز آموزش می‌دهند و ارتقا می‌بخشند.

شمار زیادی در دنیا به این بازی مشغول‌اند. جرج یالو، که یکی از بازیکنان برتر است، با استفاده از ۵ آی‌پد به طور هم‌زمان شش ماه را صرف بازی clash of clans کرده است! او حتی آی‌پدهایش را با خود به حمام نیز می‌برد. او می‌گوید: «برای حمله، ۳ دقیقه وقت وجود دارد. شما ۳۰ ثانیه فرصت دارید تا به پایگاه دشمن نگاه کنید، و سپس به محض آن که سربازان خود را پیاده کردید، سه دقیقه فرصت دارید تا استحکامات دشمن را نابود کنید.»

۱- چون مربع شمیر موصولی، غیرانسان است پس گزینه‌ی ۱ صحیح است و از طرفی قبل از پای فالی، گاما آمده است، بنابراین that درست نیست.

- | | | | |
|------------------|----------------------|-----------------|----------------|
| ۱- ۲) ذخیره کردن | ۲) سازمان دادن | ۳) منعکس کردن | ۴) محافظت کردن |
| ۲- ۱) زندگی کردن | ۲) صرف کردن | ۳) شناسایی کردن | ۴) پیدا کردن |
| ۳- ۱) اما | ۲) هنگامی که، چون که | ۳) حتی | ۴) بنابراین |
| ۴- ۱) پایگاه | ۲) منبع | ۳) لایه | ۴) دام |

